



شهر قصه . نمایشنامه در دو پرده و چهار صحنه

این بازی در تاریخ بیست و یکم شهریور ۱۳۴۷ برای نخستین بار در جشن هنر شیراز - تالار دانشگاه پهلوی، به روی صحنه آمد و بار دیگر به مدت نود و یک روز در تهران تأثر ۲۵ شهریور و نیز در شهرهای آبادان و مسجد سلیمان نمایش داده شده است.

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بر روی صحنه برده شد و به دریافت امتیاز نائل آمد.

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در تالار بیست و پنج شهریور بازی شد.

فیل	حسین والامنش
روپاه	عباس جاویدان
اسب	سپهیل سوزنی
شتر	اردوان مفید
موش	هومن مفید

«... شهر قصه در اصل از یک روایت عامیانه گرفته شده : منتهی من به این روایت شکلی تمثیلی داده ام. من در این نمایشنامه کوشیدم تا نظمی را که خاص زبان این قبیل روایتهای عامیانه است در گفتگوی آدمهای این نمایش حفظ شود. «شهر قصه» حکایت دردناک آدمی است که نادانیها، خرافات و سنتها و نظامهای تحمیل شده ی زندگی را محدود کرده اند.

بیژن مفید

شهر قصه

صحنه : چارسوق شهر قصه با حجره هائی در اطراف.
گوینده وارد می شود.

گوینده

یکی بود ، یکی نبود.

اون زمونای قدیم ،

زیرگنبد کبود ،

میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،

شهر باصفایی بود.

دورتادورش گل سرخ.

روپروش کوه بلند.

باچمن های وسیع

که پرازشاپرکه .

مردمانش همه خوب .

همه پاک ومهربون .

همه پرکار وو زرنگ .

همه روز صبح سحر وقت ادون ،

همه بیدار می شدن ،

تا برن با عجله ،

سرکار خودشون .

(اهالی شهر قصه تکه تکه وارد می شوند و جلوی

حجره ی خود قرار می گیرند .)

راستی داشت یادم می رفت .

اسم این شهر قشنگ ،

شهر قصه بود ... یادتون نره !

باری کجا بودیم ؟

آره ، از مردم شهر حرف می زدیم.

بچه های خوب که شما باشین

توی شهر قصه هم

مثل هر جای دیگه

هرکسی یه کاری داشت

خره خراطی می کرد

(خر ، به هیئت جاهلها و یکه بزنها پیش می آید)

خر
 قلیونای خوب داریم
 گلدونای خوشگل مرغوب داریم
 آقایون بفرمانین
 خانوما بفرمانین
 گوینده
 بعد نزدیک غروب
 دست از کار می کشید
 رو سرش کلاه مخملی می داشت
 کتتشو یک وری می نداخت رو شونه ش
 سیبیلش رو تاب می داد، گشادگشاد راه می رفت،
 سرچارسوق می نشست غزل می خوند ،
 چارسوقو قرق می کرد.
 شتره نمده مالی میکرد.
 شتر
 نمدهای خوب داریم
 جنسهای مرغوب داریم
 کپنک ، کلاه نمده
 واسه بچه چوپونا
 که روکوهایی بلند نی می زنن ،
 آقایون بفرمانین کلاه نمده
 آخ اونم چه نمده !
 همه از پشمهای اعلاي شتر
 که خود بنده باشم ، درست شده
 گاهی هم که کار و بار خوب نبود
 گوینده
 برای مردم شهر قصه نقالی می کرد
 خرگوشه رزازی می کرد
 (خاله سوسکه با طنازی چارسوق را دور می زد)
 خاله سوسکه این وسط
 با مینی ژوپ خودش
 دل مردم می برد
 توکوچه اینور و اونور می دوید ، ناز می کرد .
 خلاصه حسابی طنازی می کرد .
 (خرس ور ویا به دنبال خاله سوسکه راه می افتند،
 خرس از صحنه خارج می شود)
 بزه بزاز می کرد
 توی حجره اش سرچارسوق می نشست
 پارچه ها رو زرغ می کرد
 با شاخش پاره می کرد.
 سگه عطاری می کرد
 آقایون بفرمانین .
 خانوما بفرمانین .
 سگ
 چی چی میل دارین بدم؟
 گل ختمی؟ شیرخشت؟
 مغز بادوم؟ زردچوبه؟
 می خواهین فلوس بدم؟

واسه ي رودل خوبه .
 آخ عتاب نگو !
 عین لپ دختراس
 از سه پسون چي بگم !
 دواي درد شماسست !
 دلتون درد می کنه !
 سرتون گیج می ره !
 پاهاتون چون نداره !
 شبا سرفه می کنین !
 دواتون پیش منه .
 آقايون بفرمانین .
 خاتوما بفرمانین .
 کلاغه خبرچینی می کرد
 قاطر نعلبندی می کرد
 آقايون بفرمانین .
 خاتوما بفرمانین .
 يك حراج واقعی !
 يك حراج بی نظیر !
 نعلو ارزون کردم !
 باعث آباد بشه نعلو ببین !
 واسه پای خر خوبه !
 واسه پای اسب خوبه !
 خاتوما که سم دارین !
 آقايون که سم دارین !
 نعلهای شیک داریم .
 نعلهای آهني ،
 نعلهای چوبي و چرم ویلاستیک داریم !
 نعلهای نشکن پاشنه کوتاه ،
 نعلهای محکم پاشنه بلند .
 مدل امسال مکزیك داریم .
 نعلهای پنجه پهن ،
 نعلهای پنجه باریك داریم .
 همه آخرین مدل ،
 مال اولین مزون ،
 از روی ژورنال نعل این سزون !
 خاتومای با سلیقه می دونن من چي می گم .
 آقايون بفرمانین .
 خاتوما بفرمانین .
 روی يك درخت بید شونه بسر نشسته بود ،
 سرشو شونه می کرد .
 روباه ملا شده بود ،
 بچه ها رو درس می داد .
 بدونین ،
 روباه

گوینده

قاطر

گوینده

روباه

تنبلای پیسواد ! بنشین . (دیگران با کتاب و دفتر پیش می آیند و به شیوه ی مکتب گرد هم روی زمین می نشینند) حاضرین ؟ البته	همه
خوب الف این ، اب نین ، که آ این من الاین ابینا . (دیگران تکرار می کنند) ب بین بب نین که با بین من الین ببینا . (دیگران تکرار می کنند خاله سوسکه کتاب زیر بغل با عجله وارد می شود) د بدو همشیره ! خاک بسرم !	رویا خاله
بازم انگار به کمی دیر اومدم . (همه به خاله سوسکه نگاه می کنند و جابجا می شوند) بله مثل هر روز . خیلی معذرت می خوام . خوب حالا بفرمائین . خوب دیگه شروع کنیم (خاله سوسکه می رود و زیر پای میمون روی پله ها می نشیند) الف دو زیر ان و دو زیر ان و دو پیش ان . آن ان آن . الف دوزیر ان و دو زیر ا، و ... خرس رمال گوش کند ! (خرس وارد می شود) (رویاه ناخنهای خرس را واری می کند . خرس می نشیند) ... دو پیش ان ، ان . ان . ان .	رویا خاله رویا همه
ب دو زیر بن و دو زیر بن و دو پیش بن . (دیگران تکرار می کنند) ب دوزیر بن و دو زیر و ... خاله سوسکه گوش کند ! (بطرف خاله سوسکه می رود و می کوشد خود را به او بچسباند) دو زیر بن و ... بن ... بن ... (کلافه) بن !! ... دو پیش بن ! (دیگران تکرار می کنند) جیم دوزیر جن و دو زیر جن و دو پیش جن . (بطرف خاله می رود خاله روی خود را برمی گرداند) جن . جن . جن .	رویا خاله رویا همه

روپاه	جن ! جن ! جن ! چطو شده ؟ جن آمده ! جن ؟ نه بابا؟ کوش... کجا رفت؟ بگماتم که زیر عباي ملا رفته است . (با وحشت) چي؟ زیر عباي من ؟ واي ! واي ! جن جن جن
خرس	
شتر	
خاله	
خرس	
روپاه	
همه	
گوینده	(روپاه از وحشت با لا و پائین می جهد ، کلاس بهم می ریزد و شاگردان دور روپاه می رقصند – رقصی شبیه مراسم سینه زنی . و روپاه می گریزد) خوب دیگه لابد همه فهمیدن ، که خرسه رمالي می کرد سرکتاب واژ می کرد ، فال می گرفت ، رمل و اسطرلابشو ، توي دستش تاب می داد ، زیر لب دعا می خواند ، دورتا دورش فوت می کرد ، بعد سرفه ای می کرد ، بادی به غیغ می آورد ، که بله همشیره . خوب گوش کن چي می گم . طالعت هست بلند که من امروز شما را دیدم . واقعاً طالع خوبی داري . چون همین الساعه برج تو درقمر است برج عقرب در ماه یا قمر درعقرب (میمون با حالت معترض بطرف خرس می رود) چه تفاوت داره؟ منقلوتن وزقا حیروتن کذبا . حشراتن صفحاتن ممه هات ... (دور خاله سوسکه می گردد . خاله سوسکه به سرعت خارج می شود .) گوش کن همشیره لا اله الله ! (همه به او می خندند . خرس می رود و می نشیند) خوب اینهم مال خرس دیگه کی مونده ؟ ... بله . خرس سخنرانی می کرد طوطیه شعر می گفت ،
خرس	
گوینده	

تو مجله چاپ می کرد
 موشه ... صبر کن ببینم
 اوه آره یادم اومد
 موشه هیچ کاری نداشت
 فقط عاشق شده بود
 (موش از بالای پله ها آواز می خواند و پاتین می آید)
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 هرچی من بهش نصیحت می کنم
 که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمی شه
 میگه یا اسم آدم دل نمی شه
 یا اگر شد دیگه عاقل نمی شه
 (بطرف خرس می رود)
 بش می گم چون دلم
 اینهمه دل توی دنیاست ، چرا
 یه کدوم مثل دل خراب صاب مرده ی من
 پا پی زنهای خوشگل نمی شه؟
 (موش تکرار می کند و بطرف روباه می رود)
 چرا از اینهمه دل
 یه کدوم مثل تو دیوونه ی زنجیر ی نیست ؟
 یه کدوم صبح تا غروب
 تو کوچه ول نمی شه ؟
 (موش تکرار می کند و سپس ادامه می دهد)
 میگه یه دل مگه از پولاده
 که تو این دوره زمونه چششو هم بذاره
 هیچ چیزی نبینه
 یا اگر چیزی دید
 خم به ابروش نیاره ؟
 (بطرف شتر می رود)
 میگم آخه بابا جون
 اون دل پولادی
 دستکم دنبال کیف خودشه
 دیگه از اشک چشش
 زیر پاش گل نمی شه
 (موش با اوقات تلخی از او روی می گرداند)
 میگه هرسکه میشه قلب باشه
 اما هرچی قلب شد دل نمی شه
 (موش تبسم می کند و ادامه می دهد)
 نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
 (موش از پله ها بالا می رود و ناپدید می شود)
 نه دیگه این دل واسه ما دل نمی شه .
 قورباغه غواصی می کرد
 میمونه رقاصی می کرد

خرس

روباه

موش

شتر

میمون

موش

گوینده

همه رو از خنده روده بر می کرد پته ی مردم نادرستو بر آب می ریخت . (میمون به میان چارسوق می آید و همراه آوازی که می خواند کشت گندم از هنگام افشاندن بذر تا پختن نان با حرکت مجسم می کند. اما در هر حال یکی از اهالی شهر مقداری از دسترنج او را می دزدد) گندم گل گندم گل گندم گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
گندم می کاریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
درو اش می کنیم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
آسیاب میبریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
آردش می کنیم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
ما نون می پریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
وقتی می خوریم همچین و همچون گل گندم (۲)	میمون
(می نشیند تا یک لقمه نانی را که برایش باقی مانده بخورد . اما خر پیش می آید و آنرا هم از دستش می قاپد میمون دستهای خالی خودش را تکان می دهد و از طناب خودش بالا می رود و ناپدید می شود) زمینش مال ماس آیش مال مردم گل گندم (۲)	همه
تا هفت هشت سال پیش از این یک روزی تنگ غروب فیل اومد به شهر ما (همه با دیدن فیل بطرفی فرار می کنند) مردم شهر همه مشغول کاراشون بودن فیل اومد تموشا کنه افتاد و دندونش شکست . آی .. آی	گوینده
بدونین ای آقاییون بدونین ای خانوما پزشک و بیطار بیارین دکتر و جراح بیارین (به محض اینکه مردم شهر فیل را موجودی دست و پا چلفتی و بسیار مودب و خجالتی می یابند ، ترسشان می ریزد و یکی یکی پیش می آیند) اگه شیر خشت می خوای اگه عتاب و سه پسون می خوری جنس خیلی خوب دارم گل ختمی ، گل کاسنی ، بییچم ؟ نه بابا گل چی چیه ؟ من بدبخت بی دندون دارم اینجا می میرم دسته گل می خوام چی کار ؟ عوضش خودم برات قلیون نی بیچ می یارم	فیل
	سگ
	فیل
	خر

‘ ’

ب ... ب ... بنده ... فی ... فیلم (به دیگران) میگه اسمش فی فیله ! (وارد می شود و روی دستهای خر می نشیند) فی فیل خان بفرما شعر می خونی بسم الله ! قصیده های اعلا غزل بسبک مولا رباعی های کرمون دوبیتی های شیراز چون می ده واسه آواز غزل بسبک سعدی غزل بسبک حافظ شعر سفید یک دست که قافیه نداره رفته برایش بیاره . ولش کن فوقول سواد نداره کسی که سواد نداره اینهمه باد نداره (بلند می شود و بطرف فیل می رود . فیل بطرف سقاخانه فرار می کند . خرس بدنیش می رود و روی پله سقاخانه می نشیند) یا الله ... یا الله خوش آمدی بفرما فالگیر و رمالم من اسمتو بگو تا جنتو بگیرم کف بین و رمالم من دستتو بده طالع تو ببینم . (دست فیل را می گیرد) نامه داری تو راهه . یک زن لاغر اندام دشمنته ... دشمن رو سیاهه همین روزا پولی به دستت می رسه کدوم پول ؟ پول زیادی که می شه حواله از طرف عمه ، عمو ، یا خاله . بفرمائید که این پول چقدر است ، چطور است ، حلال است ، حرام است ؟ اونشو دیگه چه عرض کنم ... (از بالا) ... بگم من ؟	خر طوطی خر فیل خر طوطی خر طوطی خرس روپاه خرس روپاه خرس میمون
---	---

خر	خمس و زکوتش را بده حلاله . بغلو بیا نماله ! (همه می خندند)
خرس	عرض شود این کف دست سرکار از این پانین تا بالا درست مئه خیابونای تهرون ترك ترك خورده و خط خط شده سرتاسرش یه تیکه ی صاف و تمیز نداره .
میمون	تیکه ی صاف و تمیز تو دست اون چی کار داره ... ؟ ... پس کجاست؟
خرس	اون طرف !
میمون	(خاله سوسکه و موش بالای پله ها درحال رقص هستند) مرحبا ...!..مرحبا ! این خاله سوسکه ی ما چه خوشگله خدایا !
روپاه	اتل و مثل ... چه خیطه
خرس	ترشی خویه یا لیته ؟ البتّه لیتّه لیتّه .
روپاه	کت خویه یا شلیته ؟
خاله	معلومه خوب ، شلیته .
خرس	این دل صاب مرده ی من یا ز دوباره دنبال چشمش می ره دنبال قدش می ره
روپاه	دنبال خالش می ره .
اسب	این شکم گرسنه ام ...
سگ	... کارد بخوره به اون شکم !
میمون	هی داره مالش می ره .
سگ	کمرش باریک است
خرس	تی تی تاک تیک تیک است .
روپاه	شلیته ش هم شلیک است
بز	هرچی هست آنتیک است .
روپاه	چی چی؟ آنتیک؟ بابا می دزدنش !
سگ	ای بابا
میمون	مگه از عتیقه های تپه ی مارلیک است؟!
خر	واخ واخ ، دندونشو ببین
همه	این چرا کچه؟ کی می گه کچه ؟
خر	این واسه خراطی خویه .
سگ	این واسه عطاری خویه
شتر	واسه ی نمدمالي خویه
بز	چطوره فوری بریم یه چینی بند زن بیاریم ؟
خر	چی می گی ، توشهر قصه چینی بند زن کجا بود ؟
سگ	پس بریم یه پنبه دوز خبر کنیم .

فیله	آخه این عاجه عزیز دل من ، گیوه که نیست ! پنبه دوز می خوام چی کار ؟ (خر و خرس درگوشی باهم صحبت می کنن) پس یه نجار بیاریم
خرس	نچارها اره دارن ، اره ی برنده دارن ، می ندازه اون یکیم از ریشه بیرون می یاره . چی چی ؟ شوخی می کنین ! نه برادر چرا شوخی بکنم ؟ آخه این شد دندون ؟ داشم بچه نشو ،
خر	بذار این دندون بیرخت و کج مضحک رو از دهانت بکنیم .
فیله	چی میگی مرد حسابی ؟ ... این عاج اینکه دندون کج و مضحکيه چون من ... چون شما ... چون همه صد تومن می خریدنش نمی دادمش ! (به خرس نزدیک می شود) بیا اینجا ببینم ... راست می گه و دندونش سربالاست کج و کوله است ... ولی بی همتاست
خرس	چون می ده برای یه دسته چپق .
خر	وای که مردم از درد !
فیله	خوب چرا داد می زنی؟ عیب نداره .
خرس	اگه دکنتر نداریم خر خراطه که داریم همین الان مته برق دندوناتو می کنه دسته چپق ای وای مردم ، چه کنم ؟! بشکن و راحتش کن . خوشگلو مقبولش کن . بشکن بشکنه زودباش ! دندون منه ! زود باش من نمی دارم . یا له ! عاج صد تومنه ! یااله !
روپاه	
فیله	
همه	
خرس	
همه	
فیله	
همه	
فیله	
همه	
فیله	
همه	
گوینده	(همه گرد فیله حلقه می زنند ، عاج دیگرش را هم می برند و روی سرش کار می گذارند) بله بچه های نازنین من دندونای فیله هردو کنده شد .

خر	(همه از اطراف فیل پراکنده می شوند) آخه فیل شاخ نداره فیل که بی دندون نمی شه من می گم خرطومش زیاده آخه این دماغ نشد این شیلنگه به خدا .
اسب سگ	(روباه جلو می رود) آقایان برن کنار آقایان برن کنار بنده از لحاظ علم الادیان باید از بینی این مرد غریب با چنین هیئت بدقواره ی بد ترکیب دو سه تا نمونه برداری کنم .
فیل شتر	چی آقا ، نمونه برداری ؟ از دماغ من؟ ای بابا غصه نخور تازشم خیلی بخواد از دماغت بکنه پیش این دماغه کنده چی می شه واسه ی شما چه تاثیری داره ، بدرد اون چی می خوره ؟
فیل	بله البته درسته کاملاً . ولی خوب آخه این نمونه برداری لابد درد میاره .
سگ خر	نه بابا درد چیه ؟ مثه آمپول میمونه تابیای حالت بشه کار تمومه چون تو ، حالا حتما باید از دماغ من نمونه برداری کنین ؟ بله البته ...
فیل سگ	... چرا ؟ ببخشین ها . یه نمونه ش مال انگشت نگاریست آقا . (خر زیر پای فیل می نشیند و خرطوم او را می برد) یکی هم برای سوء سابقه است واسه تعیین هویت دو نمونه لازمه .
روباه	واسه تحقیق در علم الادیان سه نمونه لازمست
اسب	اتقدم بدین به من . ممکنه یه روز بدردم بخوره . اتقدم به بنده التفات کنین .
شتر فیل	اوه قابل نداره (اما دیگر از خرطوم چیزی باقی نیست تا به شتر بدهد) هیچی تا بالاخره ، فیل بدبخت یه چیز دیگه شد یه چیز تازه ... یه حیوون عجیب که رو کله ش دو تا شاخ سبز شده بود .
گوینده	

دیگه از خرطوم و عاجش اثری باقی نبود
 شده بود مثل یه گاو .
 اما راستش چی بگم ...
 گاو گاوم که نبود
 یه چیزی بود هشلهف ... یه چیز بی سروته
 خلاصه هرچی که بود فیل نبود
 (خارج می شود)
 (مردم شهر هم یکی یکی خارج می شوند . فیل هم به دنبال آنها بیرون می
 رود . خر تنها می ماند . ماسک خود را برمی دارد و بطرف میمون که از طناب پانین می آید
 پیش می رود . قیافه اش رنجیده و غمگین است . قلم و کاغذی به دست میمون
 می دهد تا برایش نامه ای بنویسد . میمون مشغول نوشتن می شود)
 (که چندی به فکر فرو رفته است به خود می آید)
 آره داشتیم چی می گفتیم ...؟... بنویس :
 ما رو دیوونه و رسوا کردی ... حالیه؟
 مارو آواره ی صحرا کردی ... حالیه؟
 آخه مام واسه خودمون معقول آدمی بودیم
 دستکم هرچی که بود آدم بی غمی بودیم ... حالیه؟
 سر و سامون داشتیم
 کس و کاری داشتیم
 ای دیگه ... یادش بخیر !
 نه مون جورابامونو وصله می زد .
 مارو نفرین می کرد .
 (باتیسیم)
 بابامون خدایامرز
 سرمون داد می کشید
 بهمون فحش می داد
 (می خندد)
 با کمربند زمون اجباریش پامونو محکم می بست
 ترکه های آلبالو رو کف پامون می شکست حالیه؟
 (آه می کشد)
 یاد اون روزا بخیر
 چون بازم هرچی که بود
 سروسامونی بود ... حالیه؟
 نه ای بود که نفرین بکنه
 بعد نصف شب پاشه لحاف رو آدم بکشه
 که مبادا پسرش خدائکرده بچاد
 که مبادا نورچشمش سینه پهلو بکنه ... حالیه ؟
 (مکث با لبخندی محزون)
 بابائی بود که گاه و بیگاه
 سرمون داد بزنه
 باهامون دعوا کنه
 پامونو فلک کنه .
 بعد صبح زود پاشه مارو تو خواب بغل کنه

اشکهای شب قیلو که روی صورتمون ماسیده بود ،
کم کمک بادستهای زیر خودش پاک بکنه ... حالیه؟
(مکث . آه می کشد)
میدونی .
بابامون چند سال پیش
عمرشو داد به شما .
هرچی خاکه اونو عمر تو باشه ،
مرد زحمتکش بود ...
خدا رحمتش کنه .
ننه هم کور و زمین گیر شده
ای دیگه ... پیر شده
بیچاره ... غصه ی ما پیرش کرد
غم رسوایی ما کور و زمین گیرش کرد ... حالیه؟
اما راستش چی بگم ،
تقصیر ماکه نبود
هرچی بود زیر سر چشم تو بود
یه کاره تو راه ماسیز شدی
مارو عاشق کردی
مارو مجنون کردی
مارو داغون کردی ... حالیه؟
آخه آدم چی بگه ، قریونتم ،
حالا از ما که گذشت
بعد از این اگر شبی ، نصفه شبی ،
به کسونی مته ما قلندر و مست و خراب
تو کوچه برخوردی
اون چشارو هم بذار
یا اقلا دیگه این ریختی بهش نیگا نکن .
آخه من قریون هیکت برم
اگه هر نیگا بخواد اینجوری آتیش بزنه
پس باهاس تموم دنیا تا حالا سوخته باشه !
(نامه ی خود را که میمون برایش نوشته است از او می گیرد . گوینده ناگهان
وارد می شود و او با شتاب نامه را در پشت سر پنهان می کند و ماسک خر را
به سر می گذارد)
(وارد می شود) بچه ها سلام ...
... سلام ... سلام
حال شما چطوره ؟
با درس و مشق چطورین ؟
هنوز چولی حلاله ؟
حلاله ... حلاله ...
حال مامان ، حال بابا چطوره ؟
مامان می گه قبولم .
بابام می گه محاله .
بهم میگن درس بخون .

گوینده

دیگران

گوینده

دیگران

گوینده

سگ

خرس

میمون

خر
 گوینده
 سگ
 شتر
 روباه
 میمون
 خر
 دیگران
 گوینده
 سگ
 خر
 میمون
 خرس
 سگ
 گوینده
 دیگران
 گوینده
 نکتی بشی دوساله .
 خوب بچه ها ، کی اسم این شهر قشنگ یادش هست ؟
 آقا ما بگیم ؟
 خاتم ما بگیم ؟
 نون و پنیر و پسته .
 قصه ...
 ... قصه ... قصه ...
 درسته ؟ ... درسته ؟
 معلومه که درسته .
 جایزه تون ...
 یه یخچال ؟
 یه قوری ؟
 رادیوی برق و باطری ؟
 یه رختخواب نشکن ؟
 ساعت ضدضربه ؟
 نج ... نج ... نج ... یه قصه .
 یه قصه ی درسته .
 نه دست و پاشکسته .
 درسته . درسته .
 آره بچه ها ،
 اون قدیما ،
 تو شهر ما ،
 یعنی تو شهر قصه ،
 يك خاله سوسکه ای بود .
 لپاش مئه تربچه .
 دهن نگو ... یه غنچه .
 چش چي بگم یه بادوم .
 که عین شب سیا بود .
 خلاصه خیلی ماه بود .
 مردم شهر که خوب بودن ،
 آروم و مهربون بودن ،
 ساده و بی ریا بودن ،
 بیغش و با صفا بودن ،
 تمومشون ... پیر و جوان ،
 يك دل نه صد دل عاشقش بودن . (مکت)
 سوسك سیاه خوشگل ،
 یه روز صبح ،
 پیرهنشو تنش کرد .
 پیرهن سرخ گل دار .
 چادرشو سرش کرد .
 شلیته پوشیده با شلوار .
 اتل و متل و آلوچه .
 پاشو گذاشت تو کوچه .

با صد تا عور و اطوار
 اومد میون بازار ...
 (گوینده خارج می شود - خاله سوسکه وارد می شود)
 سلام علیکم آبی خانوم .
 بفرمائید .
 خرس
 حال شما چگونه ؟
 سلام و درد پدرم .
 خاله
 خاک به گورم ... خاک به سرم .
 چه حرفا ؟
 چلاق بشی ایشاله !
 نزاکنم خوب چیزیه
 نه واله !
 آبی خانوم ببخشید
 اگر جسارتی شد .
 خرس
 بنده فقط عرض ادب نمودم .
 خاله
 خوب آخه خرس گنده ،
 آبی خانوم نشد اسم !
 خرس
 پس چی بگم سیا چشم ؟
 خاله
 چه پرو !
 خرس
 سفیدرو ... سیاه مو ؟
 همه
 سفید بخت ... سیاه دل !
 خاله
 یه اسم خوب و خوشگل .
 یه اسم بگو که اسم باشه .
 جادو کنه طلسم باشه .
 به رنگ گندمیم بیاد .
 به چشم بادومیم بیاد .
 بهار بشه نسیم بیاد .
 نگوینگو دلم رفت !
 خرس
 این دل غافل رفت !
 خاله
 نیگام بکن چه ماهم .
 با چشماي سیاهم .
 دهن دارم ...
 دیگران
 ... یه غنچه !
 خاله
 ابرو دارم ...
 دیگران
 ... کمونچه !
 خاله
 قدم ببین ...
 دیگران
 ... بلند !
 خرس
 گیسیم ببین ...
 دیگران
 ... کمنده !
 تو که منو شیدا کردی .
 خوبه منو پیدا کردی .
 تو که منو رسوا کردی .
 قفل دلم وا کردی .

میمون	اتل مثل خلیفه .
خرس	کیسه خوبه یا لیفه ؟
خاله	چطوره بگم ضعیفه؟
خرس	چش نخوري الهي .
خرس	با اینهمه سلیقه !
خرس	پس چي بگم فدایت !
خاله	فدای خاک پایت .
خرس	میتونی بگي عزیزم .
خرس	عزیزم .
خاله	امیدم
خرس	امیدم
خاله	قشنگم ... ملوسم .
خرس	ملوسم ... قشنگم .
	امیدم ... عزیزم
	بیا دورت بگردم .
	به قریونت بگردم .
دیگران	ملوسم .
خرس	بذار لبتو ببوسم .
دیگران	بلورم .
خرس	بذار سرتو بچورم .
	عروسم ... قشنگم .
	عروس شوخ و شنگم .
	تو مال من می شی ؟
خاله	استغفراله !
خرس	عیال من می شی ؟
دیگران	اوه ... اوه ...
خاله	... واه ... واه !
خرس	می دونی چیه ؟
خرس	عزیزم !
خاله	می دونی چیه ؟
خرس	امیدم !
خاله	من زن هرکس نمی شم .
	هرکس و ناکس نمی شم .
خرس	ملوسم ... قشنگم .
میمون	اتل مثل بی جنجال .
	چن گیر می خوای یا رمال ؟
خاله	نه چن گیر و نه رمال .
دیگران	نه اون خوبه نه ایشون ،
	لعنت به هر دوتاشون .
خاله	نه جونم ، نه عمرم .
	من زن رمال نمی شم .
	کاری که رمال می کنه
	صبح تا غروب فال می گیره .

21

رمال می خوای یا ملا ؟	شتر
البته ملا ملا .	
سلام علیکم سوسک سیا .	روباه
حال شما ؟	
سلامتین ایشاله ؟	
کسالتی ندارین ؟	
والده تون چطورند ؟	
رفع سلامتی شد ؟	
واه واه واه چه پررو !	خاله
بیره اون زیونت !	
قربون اون لبونت !	روباه
ابروهای کمونت !	
خودت بگو آمل .	خاله
سوسک سیام می شه اسم ؟	
تربیتی ، نزاکتی ، خجالتم خوب چیزیه ،	
نه واله ! .	
پس چی بگم ؟ خاله قزی ؟	روباه
لال بشی ایشاله !	خاله
تنبون قرمزی ؟	روباه
کوربشی ایشاله !	خاله
تو که منو رسوا کردی .	روباه
رسوا علی الله کردی	
اتل مثل متینه .	میمون
رقیه یا سکینه ؟	
مال سیکتکینه .	دیگران
سلیمه یا حلیمه ؟	میمون
مال ابو عبیده .	دیگران
چطوره بگم زبیده ؟	روباه
ماشاءالله !	خاله
پس چی بگم ؟	روباه
می تونی بگی عزیزم .	خاله
عزیزم	روباه
امیدم ...	خاله
امیدم .	روباه
قشنگم ... ملوسم .	خاله
ملوسم ... قشنگم .	روباه
امیدم ... عزیزم .	
قربانتم الهی .	
کی تو رو قشنگت کرده ؟	
مست و ملنگت کرده ؟	
آتش به جونت بگیره ولم کن !	خاله
کی تورو ملوست کرده ؟	روباه
کی تو رو عروست کرده ؟	

خاله	خوره به زیونت بگیره ولم کن !
روباه	جان دلم ، آخه چرا همچین می کنی ؟ هی منو غمگین می کنی ؟ دردمو سنگین می کنی ؟ فرار نکن عزیزم ! فرار نکن مامانم ! عروسم ، قشنگم . تو مال من می شی ؟ استغفراله !
خاله	عیال من می شی ؟
روباه	اوه اوه ...
دیگران	واه ... واه !
خاله	می دونی چیه ؟ عزیزم .
روباه	می دونی چیه ؟
خاله	مامانم
روباه	من زن هر کس نمی شم . هر کس و ناکس نمی شم . امیدم ...! عزیزم ! اتل مثل بی جنجال .
میمون	روباه می خوای یا رمال ؟ نه روباه نه رمال . نه اون خوبه نه ایشون . لعنت به هر دوتاشون ! نه چونم نه عمرم . من زن ملا نمی شم . چرا نمی شی ؟ والله نمی شم بالله نمی شم . کاری که ملا می کنه . لای درو و می کنه . نیگا به بیرون می کنه . نیگا به اینجا ، به اونجا ، به اینور ، به اونور ، به پانین ، به بالا می کنه . عباشو دولا می کنه . کنار باغچه می ذاره . کشک و بادمجون میاره . هی می شینه کوفت می کنه . نه یک تعارف می کنه نه یک بفرما می زنه . بعد پا می شه میاد بیرون با همسایه ... با صابخونه ، با خربوزه ... با هندونه ،
خاله	
سگ	
خر	
خاله	

شروع به دعوا مي کنه .	شتر
محشر کبرا مي کنه .	ميمون
آجان مي ياد ... پليس مي ياد .	شتر
سرباز با تفنگ مي ياد .	ميمون
تفنگ با فشنگ مي ياد .	شتر
بيل مي ياد کلنگ مي ياد .	ميمون
شتر مي ياد پلنگ مي ياد .	خرس
مي گيرنش مي برنش کلان تري .	سگ
به جرم فحاشي و ابرو بري .	
وقتي که افسر مي رسه ،	
سؤال جواب شروع مي شه ،	
از بيخ بيخ عرب مي شه ،	
فرياد و غوغا مي کنه .	
همه چي رو حاشا مي کنه .	خر
نه جونم ... نه عمرم .	خاله
منو بکشي ... بالا بري ، پانين بيبي	
من زن ملا نمي شم .	
(گريه به هينت درويشان وارد مي شود)	گريه
هو حق چاکرم من .	
درويش ذاکرم من .	
با خرقي ي قلندري .	
با کشکول سلندري .	
وا ه ... وا ه ... وا ه	خاله
زهرمو آب کرد با ريشش .	
قربون خدا با درويشش !	
سلام عليكم چادر زري .	گريه
تنبون قرمزي .	
غنچه دهن .	
گل پيرهن .	
گيس گلابتون .	
ابرو کمون .	
سوسک سيبي قد بلند .	
دامن کوتاه .	
کردن هما .	
اين شليته .	
جان شما .	
ميدوني چيه	
چشم بادومي ؟	
اسم بدنومي !	
اتل مثل تناهي .	خاله
خودت سوسک سياهي .	
بقربونت الهي !	گريه
شليته م ميني ژويه .	خاله

گر به	چه خوبه ! برم قربون يك همچي شلیته . نه بالاست نه پانین . نه ترشي است ... نه لیته . حالا از اون گذشته ، آدرویش ، با اون خرقه و كشكول ، با اون ریش ، با اون كله ي بیموت ، با اون یا حق و یا هوت ، با اون دنیک و سازت ، با اون ریش درازت . نیگام کن گتایه .
میمون	
خاله	
سگ	
میمون	
خاله	
گر به	(گر به رو بر مي گرداند) سفیدی صورتم چون قرص ماهه . دو زولفونم مثال شب سیایه . دو دندونم طلایه . دوتا عاشق دارم یکیش تو رایه . شلیته م که کوتایه . دوتا یاری دارم یکیش سیایه . خونه م میدون شایه . دوچشم نرگست کار کجایه؟ یا شیراز ، یا کرمون . یا تبریز ، یا زنجون . یا خلخال ، یا تهرون . گمونم کار خراطی رشته . گمونم کار مرتاضای هنده . گمونم کار نقاشای چینه . میگم کار زری بافای یزده . ببینم کار ملاهای قم نیست ؟ یا شاید کار عطاری کاشون ؟ یا کار باغبونهای فسایه؟ نه جونم این دوتاچشمی که اینجاست ، یا کار لاله کارون بیابون ، یا آه مستای میخونه هایه . نه جونم ، نه عمرم ، دوچشم نرگسم کارخدایه . دوتا نومزد دارم یکیش گدایه . سه چار تا خواستگار دارم ماشاالله ! یکیش خیلی بلایه . الان درشهر زیبا کدخدایه .
گر به	
میمون	
سگ	
میمون	
خر	
خرس	
سگ	
بز	
روپاه	
سگ	
طوطی	
میمون	
خاله	
دیگران	
خاله	

سر درویش عاشق بی کلاه . یکیش رفته زیارت ، حالا در کربلايه .	میمون خاله
یکیش یم شاعر چاق و شهیره . زن شاعر نشو شاعر فقیره . یکیش نقاش مشهور و هنرمند ، خوراک نقاشا نون و پنیره .	میمون خاله
یکیش ملای بی لا . که خیلی با خدایه ؟ از اون مرده خورایه .	میمون خاله روباه خرس
یکیش رمال بی مال ، که خیلی بی حیایه . خداوندا ، خدایا ، چقدر این خاله سوسکه بی وفایه !	میمون خاله
یکیش یک آدم رند و زرنگه . زن جن گیر نشو بی احتیاطی است ، همیشه چند تا از جناش تو رایه . یکیش آدم رند و زرنگه . که از بس ناقلايه ، هم الان حاکم شهر فرنگه .	میمون خاله
همون حاکم که دارای تفنگه ؟ تفنگاش پر فشنگه ؟ فشنگای دویست تن ؟ فشنگای دویست میلیون مگاتون ؟ فشنگای عمو سام ؟ برای پاپتی های ویتنام ؟ همون حاکم که اخلاش سلیمه ؟ همون حاکم که حالاتش حلیمه ؟ که از اقوام شیطان رجیمه ؟ زن حاکم نشو حاکم حکیمه . زبسکی مهربونه ، در اموال همه سهیمه .	میمون خاله
یکیش چنگیز خانه . که از آدم خورایه . همش در فکر جنگه . یکیش تیمور لنگه . جفنگه ! یکیش خاقان چینه که مردی نازنینه . حسابش با همه دنیا سوايه . فرستاده پی ام با ساز و آواز . لابد همراه ده میلیارد سرباز ! یکیش آقا محمد خان قاجار .	میمون خاله سگ روباه میمون خاله میمون خاله

دیگران	کند هم جنس با هم جنس پرواز ! (موش بالایی پله ها ظاهر می شود)
خاله	مادر زینت خانوم گیس داره قد کمون از کمون بلند ترک از شقیق مشکي ترک پسوناش انار و به خیمه زده کنار ده به کس کسانم نمی ده . به همه کسانم نمی ده . براه دورم نمی ده . به مرد کورم نمی ده . به کی می ده ؟
میمون	به کسی می ده که کس باشه . قبای تنش اطلس باشه . به مرد رمال نمی ده ؟
خاله	نه که نمی ده .
خرس	به شیخ و ملا نمی ده ؟
خاله	نه که نمی ده .
روپاه	به مرد عطار نمی ده ؟
خاله	نه که نمی ده .
سگ	به مرد خراط نمی ده ؟
خاله	نه که نمی ده .
خر	ای بابا ... وقتی یارو دخترشو - حتی به ملا نمی ده به ، خر بده !? (موش با حالتی عاشقانه به خاله سوسکه نزدیک می شود)
خاله	به من می ده ؟
موش	سرکار عالی کی باشن ؟ عاشقم . عاشق بی دلم من . دلت کجاست ؟
خاله	... فنا شد .
موش	فناي اون چشا شد . کدوم چشم ؟
خاله	همون چشم که خوابو برده . کدوم خواب ؟
موش	خوابی که ازم فرار کرد . کجا رفت ؟
خاله	تو باغچه .
موش	باغچه کجاست ؟
خاله	تو باغه .
موش	کدوم باغ ؟
خاله	باغی که تو شهر رویاست .

خاله	رؤیا کجاست ؟
موش	تو خوابه .
خاله	کدوم خواب ؟
موش	همون خواب که از چشم رفت .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که غرق آب شد .
خاله	کدوم آب ؟
موش	همون آب که سیل آورده .
خاله	کدوم سیل ؟
موش	همون سیل که اشک آورده .
خاله	کدوم اشک ؟
موش	همون اشک که از چشم ریخت .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که غرق خونه .
خاله	کدوم خون ؟
موش	همون خون که از دل اومد .
خاله	کدوم دل ؟
موش	دلی که اسیر زلفه .
خاله	کدوم زلف ؟
موش	زلفی که چو شب سیاهه .
خاله	کدوم شب ؟
موش	همون شب که تو چشاته .
خاله	کدوم چشم ؟
موش	همون چشم که مسته مسته .
خرس	نگو که دلم شکسته .
	(بغضش می ترکد)
موش	همون چشم که پر شرابه .
خرس	نگو که دلم کیابه .
موش	چشی که همیشه امیده .
خاله	امید کجاست ؟
موش	برآیه .
	(به آهنگ روضه خوانی .)
روپاه	نگو که حالم خرابه .
	گریه کنین ... مسلمونون ...
	گریه کنین ... ثوابه .
خر	قربون گریه ت برم .
روپاه	همون شب اول قبر که موقع جوابه
	هم روز محشر که حساب کتابه
	ثواب این گریه بی حسابیه .
میمون	بابا برو فکر نون باش .
	گریه ی ملا آیه !
روپاه	آخ ... باجی اون بچه رو ساکت بکن .
شتر	نگو که دلم کیابه .

روپاه	گریه کنین ... مسلمانون .
میمون	گریه کنین ... ثوابه .
خاله	خاتوم خوشگله ، تو دیگه چته ...
میمون	... چیزیم نیست .
خاله	پس دیگه این اشکا چیه ؟
میمون	... ملا می گه ثوابه .
روپاه	ولش کن ،
خرس	ملا حالش خرابه !
روپاه	دهن داره یه غنچه .
روپاه	قربون اون دهن برم که غنچه ست !
خرس	ابرو داره کمونچه .
خرس	لپاش مئه تربچه .
موش	عزیزم ... امیدم
	گریه نکن ... سفیدایات پاک می شه .
	چشای زیبای تو نمناک می شه .
	بیا بریم ... بیا بریم .
	(موش دست خاله سوسکه را می گیرد و خارج می شوند .
هم یکی یکی خارج می شوند .)	
میمون	(آواز می خواند)
	میروی و مژگانست فتنه ها می انگیزد .
	می روی و می ریزی خون خلق و میدانی .
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	دین و دل به یک دیدن ، باختیم و خرسندیم .
	د رقمار عشق ای دل کی بود پشیمانی
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	زاهدی به میخانه سرخ رو زمی دیدم .
	گفتمش مبارک باد بر تو این مسلمانی
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	زلف واکل اورا تا بیاد میارم می نهم پریشانی بر سر پریشانی
	خدا منو قربونت کنه ایشا اله قربون چشمنت کنه ایشا اله
	کجا می ری فلونی ترسم بری و بمونی
	(میمون از طناب خود بالا می رود صحنه تاریک می شود)

پرده دوم

(مردم شهر قصه هریک سرگرم کار خود هستند . صدای ابزار آنها با ریتم $\frac{6}{8}$ در زمینه ادامه دارد . گوینده از ضلع راست صحنه – بالای پله ها – ظاهر می شود و حین صحبت پانین می آید و وارد صحنه می شود)

گوینده	بچه ها ... سلام علیکم حال و احوال چگونه ؟ همه تون خوب و خوش و سلومنتین ؟ درسهارو می خونین ؟
خرس سگ	چی خانوم ؟ ... شما چه حرفا می زنین . ما ازاون صبح سحر تا بوق سگ خیلی همت بکنیم ، بتونیم دوتا کلوم انگلیسی یاد بگیریم .
گوینده خر	انگلیسی ؟ ... واسه چی ؟ ای بابا ... معلومه خوب . آخه نا سلومنتی مام باهاس نون بخوریم .
گوینده	(گوینده با تعجب سرش را می خارد) من درست نفهمیدم ... ببخشین ها . مگه نون تو شهر ما قحطی شده که شما درستونو ول بکنین صبح تا شب اینهمه زحمت بکشین که به جای نون سنگ ... مثلا نون تست انگلیسی بخورین ؟
میمون	نه خانوم ... حواس سرکار کجاست ؟ نون چوم از سر ما زیادیه !
سگ	آره قریبون ، می دونین ! ما داریم صبح تا غروب این در و اون در می زنیم

۳۱

گوینده	... بفرمانید
خرس	خوب اندازه ابعاد بدن :
	سینه ... ؟
گوینده	... صد .
خرس	... دور کمر ... ؟
گوینده	... پنج و سه چارم ...
خرس	... پاسن ؟
گوینده	سیصد و شصت ...
خرس	زیاد است !
روباه	بابا اون با من !!
	(خرس و روباه درگوشی باهم مشورت می کنند)
خرس	راستی همشیره
	حضرت علیه
	انگلیسی بلدین ؟
گوینده	نه آقا ...
خرس	... نج ... نج ... نج .
	خیلی بد شد ...
گوینده	... د ... چرا ؟
خرس	خوب ، آخه مخالف قانونه
روباه	دختری که انگلیسی ندونه سکرتره
گوینده	خوب پس مرحمت شما زیاد .
	(بر می گردد)
خرس	حیف شد ! . کلفت مطبوعی بود .
	(آهی کشید . به جای خود مینشیند . گوینده به میمون سر تکان می دهد)
گوینده	مثه اینکه ... ظاهراً حق با شماست .
	(میمون سری تکان می دهد و از طناب بالا می رود)
	بگذریم .
	بچه های خوب من
	حالا کم کم بریم سراغ کار خودمون .
	براتون گفته بودم .
	که در ایام قدیم ،
	میون جنگل سبز ، لای درختای قشنگ ،
	شهر باصفایی بود .
	دور تا دورش گل سرخ ،
	روبروش کوه بلند ،
	با چمن های وسیع ،
	که پر از شاپرک .
	اسم این شهر قشنگ ،
	شهر قصه بود ...
بچه ها	... یادتون نره .
گوینده	آره بچه های من .
	توی شهر قصه هم ،
	مثه هر جای دیگه ،

هرکسي يه کاري داشت .
 خره خراطي مي کرد .
 اسبه عطاري مي کرد .
 بزه بزاري مي کرد .
 سگه عطاري مي کرد .
 دارکوب نجاري مي کرد .
 شتر نمذ مالي مي کرد .
 ولي از وقتيکه ،
 چيزهايي از قبيل کينگ
 ديگه کم کمک مي افتاد از مد ،
 ديگه حتي چوپونام ،
 چاي اون کلا نمذي ، شاپو مي داشتن سرشون ،
 شتر از ناچاري ،
 براي مردم شهر قصه نقالي مي کرد .
 جغد نقاشي مي کرد .
 غم تنهائي شو ،
 چاي تابلو قاب مي کرد .
 طوطيه شعر مي گفت ،
 تو مجله چاپ مي کرد .
 خرسه رمالي مي کرد .
 روباه ملا شده بود ،
 بچه ها رو درس مي داد .
 قاطر نعلبندي مي کرد .
 مورچه هم رون ملخ را بر مي داشت ،
 از وسط نصف مي کرد .
 نصفشو مي داشت تو يك ظرف قشنگ ،
 واسه حضرت سليمون مي برد .
 نصفه ي دومشم شخص خودش نيش مي کشيد .
 يعني تا موقع شام يه کمي ته بندي مي کرد .
 (د ر تمام طول گويندگي همه حيوانات جز ميمون سخت از روي کتاب دارند
 انگليسي مي آموزند . روباه و خرس درجهت عکس يکديگر در امتداد صحنه
 راه مي روند و لغت از بر مي کنند . روباه در اين لحظه به گوينده نزديک مي
 شود و حرف او را قطع مي کنند)
 اکسيوزمي ... يعني معذرت مي خوام .
 (به تماشاگر) با اجازه ...
 (به روباه)
 ... چيه قريون چي شده ؟
 پول خرد اگر دارين
 دو قران يا سه قران
 تحت عنوان قرض الحسنه
 تا شب جمعه به من لطف کنين .
 (خحالت زده و دستپاچه)
 واله ... بي رو درواصي

روياه
گوينده

روياه

گوينده

جیب ما پاکتر از ریش شماست (کیف خود را می گشاید و به او نشان می دهد) دریغ از یک پایاسی ریلی؟ ... ای میپاسیبل! (جلو می آید به روباه) آخه مای دیر... یوسی؟ نون چارکی سه عباسی آدم مفلس را چون من	روباه میمون
شب که می رم توی خونه قافا می خواد نونش می دم می گه تا کی سر بکنم اکبری به به می کنه می خوره و اه اه می کنه چادر نماز کرباسی؟	بز
روغن سیري چار عباسی آدم مفلس را چون من پنیر سیري سه عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
فاطمی میون گهواره ماد ریچه ها می ره می بینه فاطمی مشغول گشنشه عرعر می زنه گهواره را سر می زنه سرسری است و دسی دسی	بز
شیر چارکی چار عباسی بچه رو توی گهواره شکر سیري سه عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
خوبه که بنده هم برم یا بروم تو سینما اگر که اکتوری نشد چرا خجالت بکشم مدتی دکتری کنم هرشب اکتوری کنم مشق رزیسوری کنم یا بکنم رو درواسی؟	خر
یونجه سیري سه عباسی آدم مفلس را چو من جو چارکی چار عباسی وا می داره به رقاصی	میمون
کبریت یکی یک عباسی قند سیري سه عباسی هیزم منی پنج عباسی چارو یکی دو عباسی روغن سیري چار عباسی کالک منی شش عباسی	گوینده
مؤمن پیر وسواسی آدم لا تو راس راسی بگذریم . قورباغه قواصی می کرد . میمونه رقاصی می کرد . (خاله سوسکه با سبدي که پر از میوه است از خرید باز می گردد . مقابل دکان عطاری می ایستد . سنگ مدتی به او خیره می شود و بالاخره جنس مورد نیاز را می پیچد و با حواس پرتی به دستش می دهد .)	میمون گوینده

خاله سوسکه که دیگه معلومه ،
این وسط نازی می کرد ،
دل مردم می برد ،
باهاشون یه قل دو قل بازی می کرد .
(سر بر می گرداند و به گوینده چشم غره می رود)
آره تا چشم حسود بترکه !
(می خندد)
دیگه کی مونده ؟ ... بله .
روی یک درخت بید ، شونه به سر نشسته بود ،
سرشو شونه می کرد .
ماره آبستن بود ،
هوس پونه می کرد .
سرچارسوق یه پلنگ مغازه کبابی داشت .
گوشت های تازه و شیک می آورد ،
همه رو با پرمنگنات می شست .
زیر ناخونهاشو
با یه مسواک بزرگ ،
کاملاً ضد عفونی می کرد .
آتش منقلشو تیز می کرد .
چشاشو ریز می کرد .
با نگاه مهربونی به صف مشتری ها خیره می شد .
می نگریست !
خیره می شد !
می نگریست !
خیلی خوب می نگریست .
بله .
هیچی ، گوشتها رو آنچنان کباب می کرد ،
که دل هر وجتارین از اون آب می شد
آقا نوبت منه .
آقا نوبت منه .
آقا نوبت منه .
بعد وقتی که کباب .
کاملاً حاضر و آماده می شد ،
همشو خودش می خورد .
(صدای خرناس پلنگ و همهمه و کتک خوردن سگ)
موشه طفلکی فقط کاری نداشت ،
آخه عاشق شده بود .
تو مارو دیوونه کردی
خونه مو ویروونه کردی
تو مارو آواره کردی
تو مارو بیچاره کردی
من از اون چشما می ترسم .
من از اون لبها می ترسم .

خاله

گوینده

روپاه

گوینده

روپاه

گوینده

روپاه

گوینده

روپاه

گوینده

روپاه

خر

سگ

گوینده

موش

از اون دو تاجشمن سیا می ترسم .
 می ترسم ، می ترسم ، می ترسم ،
 آي به خدا می ترسم .
 هي اون چشارو توو بده .
 هي خودتو تلو بده .
 اوطو اوطو اوطو اوطو اوطو اوطو
 اوطو بده .
 هي دلمو الو بده ،
 با چشات ، با چشات ، با چشات .
 با چشات ، با چشات ، با چشات .
 خونه مو خراب كردي .
 خونه ت خراب اي دل .
 چشمو پر آب كردي .
 چشت پر آب اي دل .
 دل اي دل دل اي دل دل اي دل دل اي دل
 دلمو كياب كردي ،
 دلت كياب اي دل .
 دل اي دل دل اي دل دل .
 دل اي دل دل اي دل دل .
 تو مارو ديوونه كردي
 خونه مو ويروونه كردي
 تو مارو آواره كردي
 تومار و بيچاره كردي
 دل اي دل دل اي دل
 دل اي دل دل اي دل
 (خارج مي شود)

گوینده

آره بچه هاي من .
 يادتون هست هفت هشت سال پيش از اين .
 يه روزي تنگ غروب
 فيل اومد به شهر ما ، ... يعني كجا ؟
 يعني شهر قصه ها .
 مردم شهر همه مشغول كارشون بودن .
 فيل اومد تموشا كنه ،
 افتاد و دندونش شكست .
 همه ي مردم شهر ،
 دور فيل جمع شدن .
 اما افسوس ... در اين شهر قشنگ ،
 نه كلينيكي بود ،
 نه دواخونه نه بيمارستان .
 تا برن دندون فيل و سر جاش كار بذارن .
 مردم شهر كه خيلي خيلي خوب بودن .
 ساده و مهربون بودن .
 دلشون خيلي سوخت .
 اون يكي دندون فيلم كندن ،
 كار گذاشتن رو سرش .

بعد خرطومش از بیخ بریدن... به حساب خواستن فیله رو خوشگلش کنن.	
(گوینده خارج می شود)	
خیلی از لطف شما ممنونم .	فیل
می دونم .	خر
بنده از این همه لطف	فیل
راستی راستی خجالت می کشم .	
اصلا حرفشو نزن .	خر
این چیزا تو شهر ما معمولیه .	
شهر ما به شهر ایده آلیه .	طوطی
آره ... خیلی عالییه .	فیل
مردمش مردمدار .	میمون
همه خوب و مهربون .	
چشمشون در انتظار مهمون !	
همه پاک و بی ریا ،	شتر
همه در صلح و صفا .	
ما تو این شهر قشنگ به دونه ملا نداریم .	بز
دزد و جیب پر نداریم .	خر
شاغر پفیوز و جلمیور نداریم .	میمون
رمال مفت خور نداریم .	طوطی
حاجی نزول خور نداریم .	روپاه
خوب داداش	خر
دیگه کاری نداریم؟	
دیگه چیزی نمی خوای ؟	بز
خیر قربان شما .	فیل
نکنه به وقت تعارف بکنی ؟	سگ
نه به جان سرکار .	فیل
گل ختمی ... گل کاسنی ... پرز وفا ... شیرخشت ؟	سگ
بییچم ؟	
نمی خوام ... میل ندارم .	فیل
ما بریم بلکی به کاری بکنیم .	شتر
دو قرون گیر بیاریم .	
خوب ، موفق باشین .	فیل
مام بریم دنبال کار خودمون .	خر
راستی گوش کن چی می گم ،	
اگه عشقت می کشید ،	
به سری به ما بزن .	
می دونی آدرس چاکرت کجاست .	
بله قربان ... می دونم .	فیل
یادتم رفت داداش عیب نداره .	میمون
اینجا از هرکی بپرسی کی خره؟	
بت میگه خر خودتی !	
(خنده دسته جمعی)	

خر خيلي بيجا مي كونه !
ايشونم خيلي غلط كرده بخواد خر باشه !
(به فيل)
آقا باس ببخشين ها .
بهتون برنخوره .
(به ديگران)
توي اين شهر فقط يك خر هست ،
كه اونم چاكړته !
(به فيل)
گوش كردي داشم ؟
اگه يه وقت هوس كردي كه با اين دوتا شاخ
چپقي ... قليونې ،
قاب عكسي ... چيزي درست كني ،
صاف مي ياي پيش خودم .
چون تو شاخهاي نابي داري .
آقا اين عاجه ...
... آره معلومه .
ما كه گفتيم شاخ خوبي داري .
جنسشم از عاجه .
عاجشم اي بد نيست .
خوب فقط قدرې كج است .
چطوره بديم به خراط كه صافش بكنه ؟
مي خواهين روش گل و بته بندازم
يا باهاش دسته چپق درس كنم ؟
آقا معذرت مي خوام ... اگر جسارت نباشه ،
بنده مي خواستم از شما تمنا بكنم
كه اگر موفقين
بذارين اين دوتا شاخ همين جوري كج بمونه .
بابا اي واله ، تو هم خيلي الاغي به خدا !
(مي رود)
خوب ، پس جنابعالي فيلين ؟
بله قربان فيلم .
خيلي هم ،
از ملاقات شما خوشوقتم .
اين يارو چرند ميگه .
مثلا مي خواد به ما برگ بزنه .
يكي نيست بهش بگه
بعد چل سال گدايي ما ديگه
شب جمعه يادمون هست داداش !
نه آقا جان شما
بنده فيلم بع خدا .
من همون بدبختم
كه شماها خودتون

فيل

خر

روباه

سگ

خر

فيل

خر

خرس

فيل

خر

فيل

دور هم جمع شدین
خیل یزحمت کشیدین
منو خجالت دادین
دندونامو کندی
کار گذاشتین رو سرم
بعذشم خرطوممو
که به اون قشنگی بود
مته کالیاس بریدین ... اگه نه
من بدبخت همون فیلم ، فیل !
(همه و خنده دیگران)
که شما فیل هستین ؟
خوب آقا ،
ممکنه بفرمائین .
مدرکی ، قباله ای .
سند مستندی همراهتونه ،
که به ما نشون بده جنابعالی فیلین ؟
نه جونم .
من بدبخت بی دندون اومدم
دیدن پسر عمویم .
به حساب
اومدم مهمونی .
خوب آدم وقتی میره مهمونی
سند و شناسنامه نمی خواد .
دیدن پسر عمو قباله لازم نداره .
نه برادر چی می گی ؟
راس راستی دلت خوشه ؟
توی این دور و زمونه هر جا ... هر گوشه ای
اگه آب یخ بخوای کوفت کنی ،
باهاس اول سند و معافی و عکس و سچل نشون بدي !
(همه و خنده - روباه با موتو رسیکلت وارد می شود)
آقایون برن کنار .
آقایون برن کنار
(به فیل)
خوب برادر حالا تعریف بکن .
چی شده ؟ عیال سرکار کجاست ؟
کی می خوای
صیغه ی طلاقو جاری بکنم ؟
چی ؟ طلاق ؟
بله خوب ، معلومست .
من دراین کار تخصص دارم .
بخصوص طلاق سرکار که جای خود دارد .
یک چنان صیغه ی پرسوز و گدازی بخونم ،
که همینجا بشینی

خرس

فیل

میمون

روباه

فیل

روباه

هاي هاي گريه کنی .
 اوه نگو ، بنده همین الساعه
 داره گريه م مي گيره .
 باجي جان گريه نکن .
 (به فيل)
 خوب حالا بفريمانين
 چه مدل طلاق لازم دارين ؟
 چي چي فرمودين ... ؟
 ... هيچي جاتم .
 چرا دستپاچه شدي ؟
 خوب آخه طلاق چندين مدل است .
 مي خوايین طلاق رجعي بدهيد .
 يا طلاق خلعي ؟
 نوع اول يه کمي خرج دارد .
 ولي البته دوامش خوب است .
 جنسشم مرغوب است .
 واسه ي سرکار استثنائاً
 پانزده درصد تخفيف مي ديم ...
 ... دست شما درد نکنه .
 نوع دوم که طلاق خلعي است ،
 خيلي خاصيت دارد .
 واسه رودل خوبه ؟
 بي سواد احمق !
 تو رو مي گن عطار ؟
 بگذريم .
 نوع سوم که خودش شش مدل است .
 خيلي خوب و خوشگل است .
 آخه من ...
 ... گوش بده حرف نزن .
 آخ آقا
 از طلاق نوع سوم چي بگم ؟
 نوع سوم ديگه محشر مي کنه .
 قربان نوع سومش .
 نوع سوم سه طلاقه است آقا
 که ديگه
 بي محل نمي شه کاري کرد .
 آخ نگو
 جگرم مي سوزد !
 نوع سوم خويست !
 نوع سوم عاليست !!
 آقاچون ،
 توي اين شهر قشنگ ،
 بهتر از بنده محل ديگه پيدا نمي شه .

خرس

روباه

فيل

روباه

فيل

روباه

سگ

روباه

فيل

روباه

خر

روباه

خرس

سگ

خر

روباه

خرس
گوش کن چی بهت میگم .
شما هر ثانیه ، هر دقیقه يك محلل خبره بخوای
یه خبر به من بده
دیگه کاریت نباشه .
روپاه
برو گمشو بی سواد
خرس محلل نمی شه !
فیل
آقا چون
بنده اصلا نه عیالی دارم
که بخوام طلاق بدم ،
نه اصولا اگه زن داشته باشم طلاق می دم ،
که بخوام براش محلل بگیرم !
عجبا ... عجبا !
روپاه
حیرتا ... حیرتا !
(آهسته تر با فیل)
خود من محلل شبانه روزی هستم
با جواز رسمی شماره هشتصد و بیست .
همه جور سفارشات ،
در تمام ساعات ،
همه در اسرع وقت ،
طبق آخرین متد ، توسط خبره ترین محللها قبول می شه .
خر
راس می گه چون شما .
خود بنده یه عیالی داشتم .
مثه یه دسته گل .
که همین آقا واسم عقدش کرد .
بعدشم انقده زیر پام نشست ،
تا طلاقش دادم .
دو سه روز بعد اومد واسطه شد ،
که من و عیالمو آشتی بده .
انقده گفت که ما خام شدیم .
این اقام فی المجلس
صیغه ی عقدمونو جاری کرد .
من بدبخت دوباره شوهر زنم شدم .
سرتو درد نیارم ،
تا حالا سی دفعه ایشون واسه من
زنمو عقد کرده ،
دوباره طلاق داده !
روپاه
اوه بله ، یادم هست .
بنده يك دوره ی استاز می دیدم .
یه کسی لازم بود ،
تا خود من عملا مباحث علمی را
روشن تمرین بکنم .
فکر کردم که تو این دور و زموئه چه کسی
ممکنه زن بگیره ؟

دیدم از خر بهتر شوهر پیدا نمی شه .
 یعنی خوب . وقتی آدم خر نباشه
 دیگه شوهر نمی شه .
 چطو شد نفهمیدم !
 خر پس یعنی می فرمانین
 بنده و زنم برای سرکار
 شده ایم لایر اتوار ؟ !
 (به روباه حمله می کند)
 بگیرم همچی بگویم تو مخش ... !
 (دستپاچه) نه آقا ببخشینش ، ولش کنین !
 خرس صلوات بفرستین .
 خر لا اله الا الله !
 (شترکه پرده قلمکار مجلس شیرین و فرهاد را از دکان خود آورده ، آنرا به دیوار می آویزد و شروع به تقالی می کند .)
 شتر خوب ، حالا گوشاتونو واز کنین .
 هرکسی مریض داره ،
 هرکسی قرض داره ،
 هرکسی یه گرهی تو کارشه ،
 هرکسی دلش می خواد
 قبر جدم را زیارت بکنه ،
 یه دقه ساکت و آروم بشینه
 دل بده ، گوش کنه .
 ای بابا ، دل کجا بود ؟
 خر ما دیگه دل نداریم ،
 میمون که به سرکار بدیم .
 خرس از همون روزی که ،
 خاله سوسکه با مینی ژوپ خودش ،
 پاتو این شهر گذاشت ،
 دیگه یک دل توی این دیار پیدا نمی شه .
 شتر (به کار خود ادامه می دهد)
 اینکه اینجا می بینی شیرینه .
 داره توی چشمه بازی می کنه .
 خرس آخ چه نازی می کنه !
 روباه آب تئی کردن شیرین چقدر شیرینه !
 شتر اون که اونور می بینی فرهاده ،
 که دلش خونینه .
 عشق فرهاد به شیرین آقا ، خیلی نقل داره .
 میمون (به عنوان شاگرد مرشد به میدان می آید)
 خوب آمرشد ، حالا تعریف بکن ،
 اون کیه اونجا نشسته روی اسب ،
 مئه آرتیستهای فیلم ،
 داره از بالای کوه
 قاچاقی دختره رو دید می زنه ؟

شتر	اونکه اونجا يه وري ، پله داده روي اسب ، داره شیرینو تماشا مي کنه ؟
میمون	آره مرشد خودشه ... همون جوون رعنا ، که داره خیار چنبر مي خوره .
شتر	بچه مرشد ... چي مي گي ؟ ... خیار چنبر کجا بود ؟
میمون	پس آمرشد تو بگو ، اون چیه یارو داره گاز مي زنه ؟
شتر	اسم اون چيزي که اين شخص گذاشته رو لبش ...
خر	چپقه ؟
میمون	... ني ليکه ؟ ...
شتر	... نه چون من ، انگشته .
میمون	بابا ول کن مرشد ، مگه انگشت آدم خوراکیه ، که یارو عين بلال ، داره گازش مي زنه ؟
شتر	اي بابا ، بچه مرشد ندیدم انقده کودن باشه .
میمون	اونکه اون جوون زیبا به لبش برده آقا ... انگشته . د ... آمرشد ، مگه دیوونه شده ؟ آخه انگشت مال کار دیگه ست .
شتر	نه براي خوردن . آقا چون برات حکایت بکنم . اين جوون رعنا ، با چنين خال سیاه ، با چنين ابروي پیوسته و بازوي کلفت ، داره انگشت به دندون مي گزه .
میمون	بچه مرشد . تو بگو ، اون چه انگشتیه که آدم به دندون ميگزه ؟ خوب جناب مرشد ، اين دیگه معلومه ، اون انگشت حيرته .
شتر	شیر مادرت حالات باشه . اين که اين شخص به دندون مي گزه ، انگشت حيرته .
میمون	بچه مرشد ، بگو حيرت از چي ؟ حيرت از چي مرشد ؟
شتر	حيرت از خوشگلي اين دختر ، که به اين شیريني است . حرکاتش شیرين . سکناش شیرين . لب لعلش شیرين . سخناش شیرين .

اسم اون جوون رعنا ... خسرو ،
 اسم این دختر زیبا شیرین .
 آخ چقدر شیرینه !
 عین یک دسته گل نسرينه !
 (با روباه مشورت می کند - اما نگاهش را زپر دا بر نمی دارد)
 چطوره منم برم لخت بشم ،
 به هوای آب تنی برم جلو ،
 با ندیمه ش سر حرف و وا کنم .
 بعد بیرسم خانومش میل داره صیغه بشه ؟
 آخ خدایا برسان !
 آگه شد بساطمون رنگینه !
 چي مي گي احمق جان ؟
 مگه از جان خودت سیر شدی ؟
 مبادا بری جلو !
 خسرو از بالای کوه می بیند !
 (ترسیده)
 نه بابا ؟ ...
 ... جان شما .
 خیلی هم غیرتیه .
 (از ترس نفسش بند آمده)
 از سببیلش پیداست !
 مشتشم سنگینه .
 (شتر به کار خود ادامه می دهد)
 نیگا کن بازو چیه ؟ پولاده .
 نیگا کن چشم چیه ؟ شاهینه .
 تموشا کن توی مشتش چي چیه ؟
 خنجر زرینه .
 ترك اسبش چي چیه ؟ ...
 ... شمشیره ! زوبینه !
 (درحالیکه شکم خود را گرفته است با عجله دور می شود)
 بعد خدمت می رسم ..
 ... کجا می ری ؟ ...
 کابینه !!
 (روباه رندانه می خندد)
 اونکه اونور می بینی فرهاده .
 اونکه از فرق سرش تا نوک پاش خونینه ؟
 فهمیدم خیلی حواست جمعه .
 آره جونم ، خودشه .
 اون یارو فرهاده .
 عاشق شیرینه .
 خوب ، بفرما مرشد ،
 کی با اون تیشه به فرقش کوبیده ... ؟
 ... دست خودش .

روباه
خرس

روباه

خرس

روباه

خرس

روباه

شتر

میمون

شتر

میمون

خرس

روباه

خرس

شتر

میمون

شتر

میمون

شتر

میمون	چی می گی جناب مرشد ؟ آخه دست ، با رفیق آدم فرق داره . رفقا معمولا ، خنجر از پشت به آدم می زنن . دست آدم که دیگه دشمن آدم نمی شه . ای بابا .
شتر	دل و چشم و دست ما دشمن مان . اگه نه خنجر دوست ، که تو تاریکی به پشتت می شینه ، سنتی دیرینه . (با آواز)
میمون	هیچ خنجر دیگه پیدا نمی شه ، که شبی پشت رفیقی رو سوراخ نکرد . هیچ پشتی دیگه نیست ، که تو کتفش اثر زخم به خنجر نباشه . ای دیگه ... عاقبت آدم عاشق اینه . حالا من ،
شتر	یه دونه مرد جوونمرد می خوام ، که از اون گوشه ی این معرکه دست بالا کنه ، بنده رو صدا کنه ، دست سخاوت تو ی جیب پهلو دستیش بکنه . هرچی به چنگش می رسه ، از یه تومن تا صد تومن ، بیشتر شد نمی خوام مال خودت ، به نذر این فقیر اولاد شتر بندازه اینجا و چراغ اولو روشن کنه . (جمعیت به سرعت پراکنده می شوند فیل سکه ای از جیب بیرون می آورد و بطرف شتر می اندازد شتر نمی تواند باور کند و بعد فیل تمام پولهای خود را به طرف شتر می اندازد) خیلی محظوظ شدم ...
فیل شتر	 د د د ... دست شما درد نکنه . (ناگهان سکوت مطلق حکم فرما می شود جمعیت با حیرت بسیار بر می گردند و با دهان باز و نگاههای کنجکاو به این صحنه می نگرند) برو ای جوان که صد مقابلش جدم خودش بهت عوض بده . (پول را بالا نگاه می دارد و به همه نشان می دهد) آقا این جیفه ی دنیاست ... چه ارزش داره ؟ اینا جز بار گناه و معصیت چیزی نیست . با اینا فقط می شه آتیش دوزخ رو خرید . به خدا با این پول فقط می شه ، نیش مار غاشیه ، روز صد هزار سال ، گرزهای آتشی ... عذاب دوزخ رو خرید ،

آقایون هرچی از این جیفه ی دنیا تو جیبهای شماست، بریزین دور.... ! به چون خودتون رحم کنین ! به خدا قسم که جد اشترم ، یک در این دنیا صد در آخرت بهتون عوض می ده شماها نمی دونین آتیش دوزخ یعنی چی ؟ روز صد هزار سال ، گرزهای آتشین	
(فیل ناگهان از تصور عذابهای وحشتناک دوزخ به گریه می افتد و با شتاب همه ی جیبهایش را جستجو می کند و تمام پولهایش را جلویپایش به زمین می ریزد. جمعیت با چشمهای از حدقه درآمده و نگاههای وحشیانه آرام آرام نزدیک می شوند. شتر بدبخت وضعی دارد بدتر از آنها . انگار که دچار برق زدگی شده است.)	
آقا از شما تشکر می کنیم ، که منو از این همه شکنجه و بدبختی ، این همه عذابها ، گرزهای آتشی ، نیش مار غاشیه ، روز صد هزار سال، یکدفعه راحت کردین نجات دادین . من در این دنیا فقط یک دونه دندونم شکست، چه عذابی کشیدم ... فقط خدا می دونه ! حالا فکرش را بکن ، که تو اون دنیا بخوان بازم شکنجه ام بکنن. آخ خدایا ... دیگه بسه ... ! دیگه طاقت ندارم ! (به خود می آید)	فیل
برو ای جوون ... خدا پشت و پناهت باشه . مطمئن باش که جد اشترم ، اشتر اشترها ،	شتر
روز محشر سند و قباله و چک می یاره، اگه مجکوم شدی فی الفور ضامنت می شه. خیلی از لطف شما و جدتون ممنونم . اما باور بکنین که هیچ راضی نمی شم، که شما و جدتون اینقده زحمت بکشین . (بی حوصله)	فیل
برو جونم ... برو فکرشم نکن . (با شرمندگی) آخه بنده ...	شتر
(عصبانی) ... د برو !	فیل
اوه بله البته . خوب دیگه ... مرحمت شما زیاده.	شتر
لطفتون پاینده	شتر

(فیل تعظیم کنان خارج می شود . چند لحظه سکوت. جمعیت با قدمهای سنگین و تهدید آمیز به حلقه گرد شتر و پولها را تنگ تر می کنند. شتر ناگهان خود را بر روی پولها می اندازد و می کوشد هرچه بیشتر ممکن باشد از آنها به چنگ بیاورد. دیگران نیز بلافاصله بر روی او می ریزند. جنگ مغلوبه می شود بعد از چند لحظه یک نفر به زحمت خود را از زیر دست و پای دیگران بیرون می کشد و درحالی که غنیمت خود را توی جیبهایش می تپاند با عجله دور می شود. و بعد نفر دیگر... و دیگر... سرانجام شتر را میبینیم که بیهوش و زخمی و خون آلود روی زمین افتاده و حتی لباس به تن ندارد)

پرده سوم

(صحنه تاریک می شود . میمون درتاریکی بدون ماسک با فانوس وارد می شود و درحین خواندن آواز چیزهایی به سر درجهره های مردم شهر می آویزد.)

میمون

(با آواز) نه دیگه این واسه ما دل نمی شه
هرچی من بهش نصیحت می کنم.
که بابا آدم عاقل آخه عاشق نمی شه.
می گه یا اسم آدم دل نمی شه .
یا اگر شد دیگه عاقل نمی شه .
بهش می گم چون دلم ،
این همه دل توی دنیااست، چرا
یه کدوم مثل دل خراب صاب مرده ی من ،
پاپی زنهای خوشگل نمی شه؟
چرا از این همه دل ،
یه کدوم مثل تو دیوونه ی زنجیری نیست؟
یه کدوم صبح تا غروب ،
تو کوچه ول نمی شه ؟
می گه یک دل مگه از پولاده ،
که تو این دوره زمونه چشاشو هم بذاره ،
هیچ چیزی نمی بینه،
یا اگر چیزی دید،

		خم به ابروش نیاره ؟ می گم آخه بابا جون ، اون دل پولادی ، دست کم دنبال کیف خودشه . دیگه از اشک چشش ، زیر پاش گل نمی شه .
		(میمون ناگهان فانوس خود را بالا می آورد و مقابل صورت گوینده که در گوشه ای پنهان شده است می گیرد. صحنه روشن می شود. گوینده که غافلگیر شده با ناراحتی چهره خود را می پوشاند و میمون نیز ماسک خود را بر سر می گذارد. حالا که صحنه روشن شده می توانیم آنچه را که میمون در تریکی بر سر در جیره ها می کوبید ببینیم : عدد سیزده . میمون به آواز خود ادامه می دهد.)
طوطی		می گه هر سکه می شه قلب باشه . اما هرچی قلب شد دل نمی شه. نه دیگه این واسه ما دل نمی شه . (طوطی شاعر روی سکو می رود و شروع به خواندن شعر می کند.) نظری به بوستان (مکث می کند و نظری به اطراف می افکند. سگ خود را می خارد.) نظری به بوستان. (مکث . تکرار می کند.)
میمون		نظری به بوستان . نظری به بوستان. (به شتر نگاه می کند و شانه بالا می اندازد) (دلخور) خوب بله فرمودین . (رنجیده و عصبانی) بی سوادید آقا ! بی سوادید آقا ! بی سوادید عزیزم ... به خدا ! به خدا که بی سوادید، آقا . (با خودش زمزمه می کند و در دفترش یادداشت می کند) خوب پیدا کردم . آقا با خدا می شه قافیه بازو کا ... که خود بازو کا ، یعنی البته آگه درست شلیک بشه ، بالومومیا و غنا و هیئت دوستی آمریکا ، همشون رو هم می شن قافیه آفریقا . (سر بلند می کند) نظری به بوستان ... (مکث – دوباره تکرار می کند) بنده می خواستم امروز در این جشن بزرگ ... (با تعجب به اطراف می نگرد) کو؟ ... چه جشنی ؟ ... بله معذرت می خوام .
خر		
طوطی		

ترك عادت سخت است.	
بنده مي خواستم امروز در اين حاي مقدس و عزيز يكي از قسايد بزرگ و مشهورم را در هزار و يك سطور و بيست و سه بيت ...	
اي آقا ... به گوش ما رحم كنين !	ميمون
خوب پس ،	طوطي
نهصد و بيست و سه بيت .	
آقا تخفيف بدين .	خرس
هشتصد و بيست و سه بيت .	طوطي
آقا خواهش مي كنم !	شتر
(كم كم عصباني مي شود)	طوطي
پانصد و بيست و سه .	
نمي شه .	خر
(با قيافه تهديد آميز به طوطي نزديك مي شود)	
(چا مي خورد)	طوطي
سيصد و بيست و سه بيت .	
نمي شه .	خر
(با التماس)	طوطي
پس فقط بيست و سه بيت .	
نمي شه .	خر
خوب ... سه بيت .	طوطي
(خريس كردن طوطي را ميگيرد او را هل ميدهد)	
عرض كردم كه سه بيت .	
نمي شه .	خر
(در حال يكه به طرف شتر مي رود زير لب غرغر مي كند)	طوطي
خر كه شاخ و دم نداره آقا جان !	طوطي
(به او نزديك مي شود)	خر
ببينم .	
ب ... ب ... بله .. ؟ ش .. ش .. شما ؟	طوطي
من خرم ...	خر
... خوشوقتم .	طوطي
(خر نزديك مي شود)	
آخه من خيلي خرم ...	خر
(به سر خود مي كويد)	طوطي
... بدبختم .	
خوب حالا گوش مي كني ؟	خر
گو ... گو ... گوشم با شماست .	طوطي
(عصباني از طوطي كه از وحشت دائماً روي خود را به سوي ديگر مي كند فرياد مي زند)	خر
د ... منو نيگا بكن !	
ني ... نيگاهم به شماست .	طوطي
چي چي گاتون ؟ ...	خر
... ني نيگاهم ...	طوطي
... ز ... زرشك !	خر

طوطی	(خر چند لحظه درسکوت او را برانداز می کند . از زدن او منصرف می شود به طرف دکان خود برمی گردد. طوطی نفس راحتی می کشد و در کنار شتر می نشیند و غرغر را شروع می کند .) من احمق رو بگو ! واسه چه جور کسانی می شینم شعر می گم ! عوض قدرشناسی به آدم زرشک تعارف می کنن! راستی راستی که خرم ... ! خیلی خرم ! (خر با سرعت پیش می رود) چطور شد ؟
خر	کی بود می گفت خرم من ؟ ! (به یکایک اشخاص رجوع می کند و آن شخص به نفر بعدی اشاره می کند .)
اسب	شما بودین ... ؟
خر	... نه ایشون.
میمون	شما بودین ... ؟
خر	... نه ایشون .
خرس	شما بودین ؟
خر	... نه ایشون .
سگ	شما بودین ... ؟
خر	... نه ایشون .
شتر	شما بودین ... ؟
خر	... نه ایشون .
روباه	شوما بودین ... ؟
خر	... نه ایشون .
(به طوطی) شما بودید ؟ (طوطی به اطراف می نگرد و چون کسی را نمی بیند که متهم کند ناچا رسکوت می کند.)	
خر	(به طوطی) پس این طور ؟
طوطی	خوب دیگه شاعرم من .
خر	(با عصبانیت به طرف طوطی حمله می کند و می خواهد او را بزند)
میمون	تو شاعری یا ! (خود را به میان آنها می اندازد)
خر	... ! وایسا ! خودم درستش می کنم ...
خر	(غرغرکنان دور می شود)
میمون	... بفرما ! (میمون به سرعت از حضاریک دادگاه بریاست خودش تشکیل می دهد. روباه دفتری در جلو می گذارد و وظیفه منشی را به عهده می گیرد.) (با چکش روی دیوار می کوبد) تق ... تق ... تق ... تق تق تق . توجه ... توجه ! اتل مثل تسمیه . جلسه دیگه رسمیه . هیئت منصفه کجاست ؟ ...

روپاه ... اون طرف .
 میمون شاکي کیه ؟ ...
 روپاه متهم .
 میمون متهم ؟
 روپاه متهم هم شاکيه .
 (میمون سر در نمی آورد . کله اش را می خارد)
 میمون خوب حالا متهم کیه ؟ ...
 روپاه ... شاکي کیه ؟ ...
 میمون (سرفه ای می کند)
 خیلی خوب شاکي متهم کیه ؟
 خر ... بنده ام
 روپاه بیا جلو ... (یادداشت می کند)
 خر ... بنده شمرنده ام .
 روپاه قسم بخور ...
 خر ... میل ندارم .
 روپاه قسم بخور ...
 خر ... صرف شده چون شما .
 روپاه می گم بخور ... !
 خر ... چون خودم نمی شه .
 الا نه پیش پاتون
 جاتون خالی ... یونجه سیري خوردم .
 (روپاه اظهارات او را یادداشت می کند)
 روپاه اسمتو بگو ...
 خر ... کوچك شما خرم من .
 روپاه شغل شما ؟ ...
 خر من ... بله ... خراطم من .
 میمون اون خر خراطه كه می گن شمايید ؟
 خر معلومه ...
 ... خراطم من .
 تو خراطي چون شوما
 میون خرا سرم من .
 (اشاره به طوطي)
 میمون شما از اون آقا شكایت دارین ؟
 خر چه جورم !
 میمون از كار خراطي رضایت دارین ؟
 (خر ماسكش را برمی دارد و لبه ي سقاخانه تکیه می کند .)
 خر نه قربون .
 این روز روز هرچيزي فابريك شده .
 از چيق و كوزه و قلیون بگیر ،
 تاجوب سیگار همش پلاستیک شده .
 هرجا می ري پلاسكو .
 هرجا می ري ملامین .
 ای آقا ...

دكون خراطي ديگه تخته شده.
 پس تو چرا به خراطي چسبيدي؟
 چرا نمي ري دنبال يه كار خوب؟
 يه شغل نوڼ وآب دار؟
 توهم برو جنس پلاستيك بساز .
 خوب آخه من خراطي را دوست دارم.
 خيلي خري ... !
 ... معلومه.
 (ماسكش را برسر مي گذارد)
 خري كه خراط نياشه قاطره !
 كافيه .
 بفرماييد ...
 (خر مي رود)
 ... متهم ؟
 (طوطي جلو مي رود)
 بنده ام .
 اسم شما ... ؟
 طوطيه .
 طوطيه چي ؟
 طوطيه شكركن .
 (روباه يادداشت مي كند)
 اتهام؟
 جعل نام .
 راست ميگه اون اسم منو زدديده.
 (با چكش روي ميز مي كوبيد)
 تق تق تق تق تق !
 كار شما ... ؟
 ... عاشقي.
 شغل شما ... ؟
 ... شاعري.
 توشاعري يا طوطي؟
 شاعرم من .
 شاعر طوطي نمي شه.
 خوب ديگه پس خرم من .
 هر شاعر خر نمي شه .
 هرخري شاعر نمي شه .
 به هر كتابي برسه ،
 شعراشو از برنمي شه .
 تاسر فرصت پشينه .
 همشو رونويس كنه ،
 بعد تو ديوانه خودش ،
 به خط و امضاي خودش ،
 اونارو پاكنويس كنه .

ميمون

خر

ميمون

خر

ميمون

طوطي

روياه

طوطي

روياه

طوطي

ميمون

روياه

خر

ميمون

روياه

طوطي

روياه

طوطي

ميمون

طوطي

ميمون

طوطي

ميمون

اسب

خرس

شاعره خوب قلندر ه.	بژ
خر که قلندر نمی شه.	خر
فکرش باهاس روشن باشه.	میمون
خرکه منور نمی شه.	خر
شاعر باید عمیق باشه.	طوطی
خرکه مقعر نمی شه.	خر
(از جایگاه شهود)	خاله
شاعر باهاس عطر یزنه.	
خر که معطر نمی شه.	خر
شاعر باهاس شیک باشه.	روپاه
لباس فاخر بپوشه.	
باهیج لباس فاخری،	خر
خرکه مغخر نمی شه.	
شاعر باید پاک باشه.	اسب
خرکه مطهر نمی شه.	خر
قدش باهاس دراز باشه.	شتر
خر که صنوبر نمی شه.	خر
صورت خوب داشته باشه.	خرس
خر که مصور نمی شه.	خر
شاعر خوب زن می گیره.	خاله
خرکه مکرر نمی شه!	خر
حالا آقایون شما بگین .	
شما قضاوت نکنین.	
بنده خرم یا ایشون ؟	
متهم.	میمون
طوطی شکرشکن.	
ساکن شهر قصه .	
شغلش ... (به روپاه) چي بود؟	
... شاعری .	روپاه
کارش ... (به روپاه) چي بود؟	میمون
عاشقی.	روپاه
اتهام ...	میمون
... جعل نام .	روپاه
(آهسته به روپاه)	میمون
ایشو دیگه یادم بود !	
(با صدای بلند)	
برای آخرین دفاع حاضره؟	
البته.	طوطی
بفرمایین ...	میمون
... ما گوشیم.	روپاه
اتل متل سکینه .	طوطی
طوطی شکر شکن ،	
اسم من غمینه.	

شاعر شیرین سخن.	
بنده کمترین.	
(طوطی پس از چند جمله دچار بیماری شور قافیه می شود و دیگر نمی تواند جلو خودش را بگیرد)	
شاعر ماهر من.	
تو شاعر ا تکم من .	
رفیق لك لك من.	
دشمن اردکم من.	
صاحب قلکم من.	
یمن و مبارکم من .	
ضارب دنیکم من.	
دیم دددهك د کم من.	میمون
کشنده ککم من.	طوطی
کفتر تو لك من.	
انار کالکم من.	
درویش و اهل حالم.	
عاشق حالم من.	خرس
دشمن پول و مالم.	طوطی
عاشق پولکم من.	خرس
عاشق مالکم من.	روباه
ساکن قلهم من.	طوطی
بسه دیگه ... !	میمون
... دکم من .	طوطی
بسه دیگه ... !	همه
... فکم من ... بکم من ... ککم من .	طوطی
شور قافیه طوطی را در خلسه فرو می برد)	
(می جهد و دهان او را می گیرد)	میمون
سرم رفت ... سرم رفت ... !	
(شور قافیه همه را گیج و منگ کرده است)	
(تلو تلو می خورد)	خرس
آخ سرم منگ شده .	
منگك و گیجکم من.	
(گیج گیج می خورد)	اسب
من عرقك نخوردم .	
پس چرا مستکم من؟	
رملك و اسطرلابکم چطوشد؟	خرس
خرسك رمالم من.	
رمال رمالکم من.	
هینتك منصفه .	روباه
من سرم گیج می ره .	
بالا و پائینك می شم .	
ملای شهرکم من.	
منشي دادگاهك من.	

صاحب عینکم من.	
من چرا همچینک می شم ...	خر
... بیگی منو .	دیگران
منک چرا مستک و لولک می شم ؟	خر
بیگی منو .	دیگران
(دهان طوطی را رها می کند)	میمون
اتک منک توتولک .	
دیدی چی کار کردی منو؟	
انداختیمون به اک اک !!	
(نفسش بند آمده و دارد از حال می رود- با این حال هنوز زیرلب ادامه می دهد)	طوطی
اکم من	
فکم من ...	
(بیهوش می شود و به زمین می افتد دیگران او را بیرون می برند)	
(خردگوشی با خرس پیچ پیچ می کند و سپس به طرف فیل پیش می آید .	
خرس نیز به سرعت در گوشه ای برای خودش دستگاه میرزانی دایر می کند)	
(عاشقانه دست به شاخهای عاجی او می کشد)	خر
خوب ... که گفتی اینا جفتش عاجه .	
عاجشم ای ... بد نیست.	خرس
خوب داداش ... نقد بدم پونزه زار؟	خر
ای آقا ...	فیل
شونزده زار؟	خر
نه جونم.	فیل
... هیوده زار؟	خر
آقا ... شوخی می کنی...	فیل
هیژده زار .	خر
ای آقا .	سگ
کی می یاد هیژده زار.	
بده دو تاشاخ مضحک بخره؟	
(زیر گوش فیل زمزمه می کند)	
من خودم تا دوتومن مشتریسم.	
خوب بدم نوزده زار؟	خر
(با وحشت شاخهای خود را می چسبد)	فیل
خیر ... قریبون شما .	
شاخ من فروشی نیست.	
(با گردن کلفتی)	خر
چی چی رو فروشی نیست؟!	
من دارم این همه پول بالاش می دم ... کلی خسارت می کشم، که با این شاخهای بی قواره و مضحک تو ، به دونه چیق درست کنم،	
که به خوابم ندیدی !	
خوب آقا ... تقصیر چاکر چی چیه؟	فیل
(با فریاد و هوچی بازی)	خر
آقایون !	

همه شاهد باشین !
این یارو داره به من فحش می ده !
وایسا من برم یک کاغذ بیارم .
استشار جمع کنم.
(دستپاچه)
آقا جون ... قریونتم .
آخه من چیزی نگفتم به شما .
بابا ای والله ... داداش !
عجبا ... ! عجبا !
من می گم دارم خسارت می کشم ،
روزی پنج هزار تومن ،
بالای این دوتا شاخ ضرر می دم ،
تازه سرکار جلو روی همه .
می گی تقصیر نداري ،
ای بابا ... روتو برم !
اگه من دروغ می گم ، این دوتا شاخ
روی کله ی شما چه کار داره ؟
کاملاً صحیح می فرمانین
مدرک مستندی است .
آخه قریان ... یادتون نیست مگه ؟
این دوتا دندون من بود...
... زرشک !
(به سگ)
باز طرف می خواد به ما برگ بزنه .
مارو هالو گیر آورده چون تو !
راست می گه چون شما .
(به دیگران)
این یارو خیلی خره !
(عصبانی) چی چی شد؟ ... نفهمیدم ؟
کی خره ؟
(سچل خود را نشان می دهد)
بنده که فاتونا ،
طبق این مدارک رسمی خرم ،
هم معافی دارم ،
هم سچل دارم ... هم گواهی خراطی ،
یا جناب آقا
که نه اسمی داره ،
نه کسی می دونه او اهل کجاست ،
نه اصولاً تو تموم دنیا
یک نفر هست بیاد به ما بگه ،
این بابا با این سر و شکل مهیب
توی دنیا چی می خواد؟ ... کارش چیه ؟
خودشم نمی دونه .

روباه

فیل

خر

روباه

خر

روباه

فیل

خر

سگ

خر

خرس

روپاه مي گي نه ؟ نيگا بکن.
(به فيل)
آقا چون ممکنه توضیح بدین
که شما پرنده این؟ ... خزنده این ؟
گوشت خوارین؟ ... سبیین؟ ... درنده این؟
(سکوت)
خرس خوب عمو، جواب مار اندادی .
فیل والله قربان چي بگم؟
روزگاري من مادرمرده فيل بودم.
نه رو کله ام شاخي بود ،
نه دماغم آنقدره کوچك و مضحك شده بود.
اما فعلاً ... چي بگم ؟
راستي راستي خودمم نمي دونم .
(ميمون وارد مي شود)
ميمون اي بابا اينکه نشد !
آخه تو
از کدوم خراب شده را تو کشيدي اومدي
توي اين شهر قشنگ ،
ميون يه مشيت مردوم دغل
همه ختم روزگار ،
همه با هوش و زرنگ؟!
ببينم ...
نکنه از زیر بته اومدي ؟
فيل نه آقا ،
بنده پيش از اونکه اون روز غروب ،
خدمت حضرت عالي برسم ،
ميون جنگل سبز ،
لب يك چشمه ي زيبا و خنك ،
براي خودم يه جايي داشتم .
احترامي داشتم .
هرچي بود بالاخره فيل سرافرازي بودم .
نه سرم پيش كسي خم مي شد ،
نه كسي بود كه مسخره ام كنه .
يا ازم سجل بخواد .
يا بخواد از عاجم دسته چيق درست كنه .
نه ديگه اگر كسي ،
اسممو مي پرسيد ،
سندي قباله اي لازم بود ،
تا كه ثابت بكنم ،
بنده اسمم فيله .
عجبا ... حيرتا !
روپاه خوب حالا قباله اي ،
مدركي ،

فیل	سند مستندی همرا تونه که به ما صحت این قصه رو ثابت بکنه؟ (آه می کشد) ای آقا ... قباله ای لازم نیست. من خودم ، دیگه کم کم داره این قصه فراموش می شه. خودمم یواش یواش ، داره باورم می شه، که از اون اول خلقت اصلا، یه کسی به نام فیل توی دنیا نبوده ،
روباه	محتمل هست جنابعالی ، یک چنین جانوری را یکشب توی خواب دیده باشید. بعدشم کمی خیالاتی شدی
خرس	زد به کله ت که بیای به شهر ما خودتو به جای اون جا بزنی. نمی دونم ... شاید. مطمئن هستی یا مشکوکید؟ والله ... راستش ... چی بگم؟ کسی که اسم خودش یادش نیست، کسی که دندونش از روی سرش بیرون بیاد، چی می خواین یادش باشه؟ پس شما به جرم خود معترفید؟
روباه	(بی خیال) بله قربان ... (ناگهان متوجه می شود) ج ... ج ... جرم؟ (زبانش بند می یاد-خر و خرس زیرگوشی با هم پیچ می کنند) (بازوی او را می کشد و او را به کناری می برد- زیرگوشی با او حرف می زند) بیا اینجا بابا جون ... گوشنتو واژ بکن ... ببین دارم چی بت می گم. دیگه کارت زاره ! از سه ماه تا هشت ماه رو شاخسته. (با تعجب به شاخهای خود دست می کشد) آه خدایا چه کنم؟ دیگه بیچاره شدم ! تازه این که چیزی نیست. شوما وارد نیستین. ما که حبسی کشیدیم می دونیم. سابقه ات خراب می شه. عکستم تو روزنومه چاپ می کنن.
فیل	
خر	

خر	حالا من چکار کنم؟ هیچ دیگه راهی نداری . راه فراری نداری . ام چرا ... یه راهی هست. بفرمانین ... بفرمانین پاشو برو ثبت احوال هم فاله هم تموشا. سجل بگیر، یه اسم خوشگل بگیر. آخه چه جوری؟ ...
فیل	(او را درحین صحبت به طرف خرس که پشت میز کوتاه رمالی نشسته و عینکی به چشم گذارده است می برد) پامیشی میری اداره. پیاده یا سواره . درمیزنی تق تق تق (سکوت) میری تو اتاق. انقده منتظر می شی تأزیر پات علف درآد. بعد یارو یواش یواش کله شو بالا میاره بهت می گه بفرمانین؟
خرس	(جا می خورد) من چی بگم؟ بگو که سجل ندارم. بنده سجل ندارم بمن چه؟ یارو می گه به من چه؟ بگو که می شه بگیرم؟ بتو چه؟
فیل	(عقب عقب می رود) ایشون می گن به توچه؟ بگو بابا لازمش دارم. (با ترس و لرز) قربان لازمش دارم. (خر آهسته کنار می رود) چیکار کنم؟ به تو چه ؟ آخه می دونین سجل عکس دار می خوام. به من چه؟ میدونی چیه؟ بتو چه؟ سجلو واسه کار میخوام.
خرس	
فیل	
خرس	
فیل	
خرس	
فیل	

خرس	به من چه؟
فیل	شیش ساله من کار ندارم.
خرس	به من چه؟
فیل	میدونی که بی پولی چیه؟
خرس	بتو چه؟
فیل	سی ساله من پول ندارم.
خرس	به من چه؟
(مکث)	
فیل	حالا ببینم این کار ما،
خرس	هیچ جوری حل نمی شه؟
فیل	بتو چه؟
خرس	آخه بی سجل نمی شه !
فیل	بمن چه؟
فیل	آقای عزیز ... قربونتم
	صدقه پلاگردونتم
	... گوش می کنی؟
خرس	بتو چه؟
فیل	نوکرتم ... چاکرتم
	تو يك كلوم فقط بگو
	یه آدم فلك زده
	یه بخت برگشته ای که سجل بخواد
	بایس چه کاری بکنه؟
	راس راسی تکلیفش چیه؟
خرس	(خرس به تقلید کارمند مربوطه سرش را می خارد و فکر می کند)
	والله آقا ... کار شما
	اینجوری ها حل نمی شه
	اینجور چیزا تمبر می خواد
	مهر می خواد ... امضا می خواد
	کاغذ می خواد ... مداد می خواد
	قلم می خواد ... دوات می خواد
	آخوند می خواد ... ملا می خواد
	سفارش از بالا می خواد
	تعارف و سلام می خواد
	آدم خوش کلام می خواد
	پول می خواد ... مقام می خواد ...
(مکث)	
	تمبر پیش ذیجسابه .
	مهرمونم خرابه .
	امضا پیش رئیسه .
	رئیس پیش مداده .
	مداد پیش دواته .
	دوات توی اطاقه .
	اطاق درش کلیده

خلاصه ...	
چه جور ی بگم فلونی ؟	
(می خندد)	
خودت باید بدونی.	
(نمی فهمد)	فیل
نه والله !	
(با دست اشاره مخصوصی می کند)	خرس
می فهمی ؟	
نه بالله !	خرس
پس بذار حالیت بکنم ...	خرس
... بفرم.	فیل
هرچیزی تکلیفی داره.	خرس
هرکاری ادایی داره	
فال بگیر ی نیاز داره	
زن بگیر ی جهاز داره	
تیاتر بر ی بلیط می خواد .	
هرجا بخوای یکدردی رو واز بکنی	
بالاخره کلید می خواد.	
حالیت شد؟ ...	
... نه والله .	فیل
چقدر خنگی ماشاالله !	خرس
ببین جونم ... به اصطلاح ...	
اله سون و وله سون ...	
پول چایی رو چیکار کن ؟ ...	فیل
چه عرض کنم؟	
... (کلافه) برسون ... !!	خرس
(سکوت)	
بالاخره حالیت شد ؟	
البته ... چه جورم !	فیل
(فیل یکی از شاخهای خود را برمی دارد و به او می دهد)	
خیلی باهاس ببخشین .	
چه حرفا !	خرس
قابل شما رو نداره .	فیل
چه کارا !	خرس
بنده که روسیاهم .	فیل
بنده بارگناهم !	خرس
خوب ... حالا من ...	فیل
چاکر آستاتم !	خرس
عرض شود ...	فیل
... نوکر خانه زادم !	خرس
عرض می کنم چه روزی خدمت برسم ؟	فیل
ای آقا خدمت از ماست !	خرس
(چیزی می نویسد و امضا می کند)	

فیل	فردا پیام؟
خرس	نه قربون .
فیل	یه شنبه ؟
خرس	نه جاتم.
فیل	دوشنبه ... ؟ سه شنبه ... ؟
خرس	(شناسنامه کامل را به دست او می دهد)
	بفرمائین ...
فیل	... چطور شد؟ (متحیر است)
خرس	سجرتون حاضره .
فیل	(از تعجب نفسش بند آمد)
	ح ... ح ... ح ... حاضره؟ ...
خر	سام علیک ... بفرمائین
	(فیل خسته و وامانده و گیج کنار او می نشیند و به نقطه ای خیره می شود)
	خوب چطو شد؟ ... یارو آخرش چی گفت؟
	(فیل مات نگاه می کند)
	آخرش برات سجل صادر کرد؟
	(سکوت)
	اوی ... عمو ... دارم باهات حرف می زنم !
	مگه خوابت برده ؟
فیل	(بخود می آید)
	اوه ... بله
	خیلی معذرت می خوام ... چی فرمودین ؟
خر	پرسیدم سجل گرفتی؟ ...
فیل	... بله ...
خر	... الحمدالله.
	خیلی اوضاع خراب بود ...
فیل	... بله قربان ، می دونم .
خر	حالا بین خودمون ،
	یارو هم لوطی گری کرد چون تو .
	اگه نه صدور این سجل سه ماه طول می کشید.
فیل	بله ... من شانس آوردم ...
خر	... پس چی !
	آخه من به اون یارو
	بابت کار شما خیلی سفارش کردم .
فیل	ممنونم ،
خر	(نزدیک می شود)
	خوب داداش ، بالاخره ،
	اسم سرکار چی شد؟
فیل	فیل قربان ... نه ... چی چیز ...
	صبرکنین نگاه کنم
	اوه ... بله .
	م ... منوچهر !

(همه به شدت می خندند- فیل چند لحظه مات و گیج به شناسنامه و نام بی مسمانی که بر او نهاده اند خیره می شود و بعد با یک حالت عصبانی ماسک خود را بر می دارد و به دور می اندازد و با صدایی که از اعماق وجودش برخاسته فریاد می کشد)

فیل

خیر نبینی ...

خیر نبینی ...

خیر نبینی حمومی ...

(کم کم دیگران به صورت دسته ی کر همراه او شروع به آواز

خواندن می کنند و گرد او می رقصند.)

... طاس و دولیچه م جهنم

لنگ و قدیقه م روبردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیقه م جهنم

فرش و قالیچه م رو بردن

طاس و دولیچه و لنگ و قدیقه و فرش و قالیچه جهنم

دندون عاجم رو بردن

دندون عاجم جهنم

خرطومم رو خوردن

خرطومم جهنم

حتی اسمم رو بردن

خیر نبینی ... خیر نبینی حمومی ،

(فیل با فریاد آخرین در برابر سقاخانه به زانو می افتد و خاموش می ماند.

دیگران به جز میمون که در تمام مدت به گوشه ای خزیده بود و ساکت بود یکی

یکی درحین رقص از صحنه خارج می شوند. گوینده وارد می شود)

گوینده

بچه ها ...

(کسی پاسخ نمی دهد .)

بچه ها ...

(سکوت)

بچه ها ...

(سکوت – گوینده مضطرب می شود)

بچه ها ...

من دارم قصه می گم ... !

(وحشت زده فریاد می کشد)

بچه ها ... بچه ها !!

(میمون ماسک خود را برمی دارد و برمی خیزد و درحالی که

می خواند به طرف فیل می رود)

نه دیگه ...

نه دیگه این واسه ما دل نمی شه .

(بازوی فیل را می گیرد و او را از زمین بلند میکند. نگاهش با نگاه وحشت

زده و لبریز از تنهائی گوینده برخورد می کند. با لبخندی تلخ)

آقا ما مجنونیم

آقا ما داغونیم ...

(زیر لب)

خودمون می دونیم .

میمون

گوینده

(صفحه تاریک می شود)

پایان

این نمایشنامه با عنوان نمایش برگزیده تلویزیون ملی ایران در جشن هنر شیراز ۱۳۴۷ بروی صحنه برده شد و به دریافت امتیاز نائل آمد.

در سال ۱۳۴۷ یکبار در جشن هنر شیراز و دوبار در تالار بیست و پنج شهریور بازی شد.

داستانسرا	جمیله ندائی « مفید »
خاله سوسکه	تهمینه مدنی
خرس	فرخ صوفی
سگ	فرهاد صوفی
خر	محمود استاد محمد
میمون	آرش
نقشهای نمایشنامه شهر قصه عبارتند از :	بزرگه دراجرای آن به کارگردانی بیژن مفید توسط :
رشید کنعانی	
فیل	حسین والامنش
روپاه	عباس جاویدان
اسب	سهیل سوزنی
شتر	اردوان مفید
موش	هومن مفید